

پیش از دوماه است که رژیم جمهوری اسلامی برای بزدلانه درآوردن خلق قهرمان کرد علاوه بر محاربان و گلوله باران شهرها و روستاها و گشتا و فرزندان دلاور خلق در گردنشان دست به مکاره گشته است. دوماه است که زور و آذوقه و به خصوص مواد سوختی گشته است. اما خلق کرد در مقابل این جنایتها تسلیم نخواهد شد و تاریخ، سیاه دلی دشمنان خلق را برای نسلهای آینده با زگوخواهد کرد.

## سخنان اخیر آیت اله خمینی:

### سرآغاز یورشنی دیگر به نیروهای انقلابی و مترقی

سراجم آیت الله خمینی موضع خود روزی جمهوری اسلامی را در قبال نیروهای انقلابی و مترقی و بخصوص محاربین خلق با صراحت کامل روشن کرد. قبل از این ما همواره با هدف موضع گیریهای خصمانه آیت الله علیه نیروهای جب بوده ایم، اما در مورد محاربین تا بحال این چنین صریح برخورد نشده بود. این نتیجه اجتنابنا بدیرواح گیری مناره بوده است. حدت مبارزه طبقاتی و عجز رژیم جمهوری اسلامی از حل مشکلات فراسندهها معماست. اعلام صریح این مواضع یک پیروزی بزرگ برای نیروهای انقلابی سازش - ناید و کلید کارگران و زحمتکشان است. همچنانکه بقیه در صفحه ۲

## نخسن و راهپیمایی کارگران مبارز

پرسه پیزبون

صفحه ۳

## کردستان قهرمان میرزهد!

گرامی باد یاد رفقای شهید کاک عطاء طااطی و لیلای مرادی

صفحه ۵

## اگر مرداب بخشکد پشه ها خود میمیرند

آیا اعدام سوداگران مرگ راه ریشه کن کردن اعتیاد است؟

صفحه ۶

## گرانی: فرزند طبیعی نظام سرمایه داری

همراه با تورم تندیدولی، ما هم اکنون شاهد رسیدن نسیانه قیمت اجناس مخصوصاً در بخش خرده فروشی هستیم. قیمت ما نخاج عمومی مثل نان، گوشت، روغن، نبات، تخم مرغ، هرزیده میکن، لیمو، مسکه و... مرتباً افاضه می شود. "برج که نا دوماه قبل کیلویی ۱۱ تا ۱۳ تومان فروخته می داد اکنون به ۱۴ تا ۱۹ تومان رسیده است" - تا مداد ۱۷ خرداد - نرخ مسکه و سره پار نسبت به سال پیش حداقل دوبرابر شده است. مثلاً بقیه در صفحه ۱۳

## خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند...

گرامی باد یاد فرزندان شهید خلق رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری و رفقا دکتر اسماعیل نریمسیا و منوچهر جعفری!



## سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت)

### وقتی رویزونیستی مشی چریکی

"بله بلیه سقوط انجام میگرفت. اسارها و متونیکها که یک تاریخ را به اسب سازنگاری سا بورژوازی پای کدا شده بودند، لاجرم آنقدر در این سراسیب در غلطیدندا به قهر آن سقوط نمودند"

(لنین: درسهای انقلاب) سر مبارزه طبقاتی و تحولات اجتماعی نمیوانست بر نیروهای سیاسی جامعه ما تا تیرگرفی برجا نگذارد و مستگیریهای طبقاتی آنان را منحصر نکرده سازد. تندبا دا انقلاب در صف نیروها جا خا شتی هشتای جدیدی بوجود آورد. و در عین حال مرز بندی هسا را دقیق تر و عمیق تر کرد و جوهر حقیقی و طبقاتی سیاسی است و کردار رهبری سیاسی را منحصر نر نمود. سازمان چریکهای فدائی از این تحولات سیاسی - طبقاتی برکنار نماند. ما رما رزه طبقاتی صف بندی درون سازمان را منحصر نکرده و با لاجرم سکا ف سیاسی را به سکا ف تکنیکالی گسترش بخشید. بسجوی که بخشی از سازمان چریکهای فدائی بدنیا ل تحکیم انحراف رویزونیستی خود، بلیه بلیه سقوط کرد و با لاجرم به جبهه رویزونیستها در غلطید.

بقیه در صفحه ۸

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



شماره از صفحه ۱

### سخنان...

اعلام این مواضع شکست سختی است برای کلیه سازشکاران و تسلیم طلبان، شکستی برای کسانی که میگویند جهت حفظ منافع خود، مریزین انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش سازند و با اصلاح طلبی، وسط کمبر ما را گرفتند، سرخورد های رویزیونستی و فرار از مبارزه طبقاتی، جنس خلق را در دامن منافع طبقاتی خود میارکنند.

رشد روز افزون جنبش انقلابی و جنبش رهبانان جمهوری اسلامی را که با مدار منافع زمینداران سرمایه داران و دیگر اقشار مرفه جامعه و محافظ فرهنگ اربحی (ازبوع ولایت فقیه) هستند و جهت انداختن ادا منجک در کردستان، بالا گرفتن ناراضیهای عمومی و اجکی و اختلال و نفاذ های که بین جناح های حاکم (حزب جمهوری اسلامی و جناحی صدر) بر سر چوکوسی مقابل با جنبش بوده ها و خود را در دنیا لایحه رتد سریع نیرو های کمونیستی و کترین با یکا بوده های نیرو های دموکرات که مستنک بر یک محاهدین خلق در امجدیه، جلوه خیر آن بود، حزب جمهوری اسلامی و پیشینان که مل آن آیت الله خمینی را به یک جنبه بندی سرخورد بر سر جنس خلق و ادا است.

آیت الله خمینی در سخنرانی آخر هفته گذشته خود (میدرج در روزنامه های ۵ تیر ۵۹) یکبار دیگر از جناح بسیار عفت مانده هشت جا که (حزب جمهوری اسلامی) سبترین با بند و حجاب را عمل آورد و مهم ترین سها به و مستنک را برای حملات آسی با بند جما قدران و او با شان حزب جمهوری اسلامی بدست آنان داد. آیت الله خمینی در حالیکه اختلاف بین دو جناح هبات حاکمه اوج گرفته و "افتتاح بزرگ" حزب جمهوری اسلامی در صورت است، به ساله سیاسی روز تبدیل گشته بود، حمایت خویش را از بر نامه های حزب اعلام کرد و لایحه سر حمله را متوجه نیرو های انقلابی نمود و بدین ترتیب بر "افتتاح بزرگ" موفقت برپوش نهاد. (۱) و با بهترین گوشه نشینی می اهدای را که امثال آیت دستان میکنند با مراحت بیشتر آنکارا میان کرد. البته حزبی که به اختلافات درونی با جناح بنی صدر سر میگرد.

آیت الله خمینی در سخنرانی خود، علیرغم آنچه معمولاً ادعا میشود که "زبان را با بند جزیر استی گرداند"، به نیرو های انقلابی تا درست ترین تعمتها را زد و آن را به صفاتی توصیف نمود که هر کس اندکی به واقعیت اجتمعی ما آکا هاست، بنا درست بودن آنها را درک خواهد کرد:

او نیرو های انقلابی را که از سالها پیش علیه رژیم خویش خوانده ما رزه کردند، سبوان "گروه های که بعد از انقلاب مثل فارخ رو شدند و فلتانها تا جسی بودند" خواند،

(۱) - درباره افتتاح بزرگ رجوع کنیده اعلامیه سازمان ما مورخه ۳۰ خرداد و نیز سلسله مقالات "حک قدرت در بلا" شماره های ۱۰، ۵۹، ۶۰، ۶۱ پیکار.

به مردم"، "عامل امریکا"، "مهرم زنده کا رخانه ها و کشا ورزی" و "دریافت کننده پول از خارج" نامید، او کارگران حق طلب کا رخانه ها را که هنوز سر شلاق سرما به داران جان میکنند متهم کرد که "پول می گیرند تا اعتماد کنند".

● آیت الله خمینی، شهدای عزیز خلق مارا که در سالهای سیاه خفقان، مبارزه انقلابی کردند و جان در راه آزادی خلق باختند، افرادی دزد نامید!

او افرادی فدخا نه و مسکن را که دست به صادره برخی از خانه های سرما به داران زده و در آن سکونت کرده اند "غارتگر" و "ارزسه همان رژیم سابق" خواند. آیت الله خمینی، تمام اقدامات سرکوبگرانه، تمام اقدامات ضد مکرانیک و جعل و تحریف های "انسخات" های سال گذشته را که کمتر کسی از حزب جمهوری اسلامی از آن رضایت دارد و آنرا محکوم نمی کند - درست و قابل تأیید خواند؛

او نیرو های انقلابی را که با اقدامات اربحی رژیم مخالفند، در کنار افرادی فرار داده خدمتگزار دربارتا بوده اند؛

آیت الله خمینی، شهدای عزیز خلق مارا که در سالهای سیاه خفقان، مبارزه انقلابی کردند و جان در راه آزادی خلق را حسد، افرادی دزد نامید، او گفت: "اگر یک دردی را کشند و از پانجه شما بود، آریوب شما منسوب انقلابی" (۱)

کدام توهین به خلقهای ستمدیده و مبارز ما و به انقلابیون شهید این مردم، از این بزرگتر است؟! و همچنین آیت الله خمینی ما همدین خلق را "فریبکار" خواند و به قصه های مربوط به چندین سال پیش اشاره کرد که چون مشخصه دوست از رفقای ما و سازمان ما همدین خلق ایران که بسیاری از ما در آن زمان، در آن تشکیلات به فعالیت انقلابی مشغول بودیم مربوط می شود، و طبقه خود میداند که هر روزی آنرا تفصیل برای کارگران و دیگر توده های زحمتکش ایران و شما منی خلق روشن کنیم و عموم، ما درستی برخورد آیت الله را با این قضیه، نشان دهیم. ■

خاطره نان کرامی یاد!



## کمکهای مالی دریافت شده

ک	۱۹۱۰۰	خ	۲۲۷۰۰	آ	۲۳۰۰
"	۴۷۴۰	د	۲۶۸۱۰	"	۲۷۰۰۰۰
"	۷۲۰۰	"	۲۶۱۰	ب	۷۴۵۰
ک	۲۱۰۰	"	۴۰۰۰	"	۲۹۰۰
ل	۲۱۰۰۰	ر	۲۱۲۰۰	"	۴۵۵۰۰
م	۱۷۱۰۰	"	۸۰۰۰	"	۱۱۲۴۰
"	۱۵۳۰۰	"	۱۴۰۰۰	ب	۷۴۰۰
"	۸۰۰۰	"	۱۲۳۸۰	"	۱۸۰۰۰
"	۴۲۰۰	ز	۳۳۰۰	پ	۲۲۰۰
م	۱۱۰۰۰	"	۱۳۱۰۰	"	۶۰۰۰
"	۶۸۰۰	"	۱۸۱۸۱۰	"	۸۳۰۰
س	۲۵۰۰	"	۲۱۲۰۰	"	۱۰۰۰۰
"	۸۳۰۰	"	۱۱۲۲۰	"	۴۵۰۰
ن	۲۱۸۰۰	"	۸۵۰۰	ب	۹۵۰۰
"	۱۹۱۷۰	س	۶۵۰۰	ج	۶۳۰۰
"	۵۸۲۷۰	ع	۱۱۲۰۰	"	۶۵۰۰
ف	۶۳۰۰	"	۹۰۰۰	ج	۱۰۰۰۰
"	۱۲۱۰۰	"	۷۸۰۰	"	۱۴۰۰۰
ه	۱۱۴۰۰	ق	۱۶۳۰۰	"	۴۵۰۰
"	۱۹۳۰۰	"	۱۱۰۰۰	"	۱۲۷۰۰
ی	۴۱۰۰۰	ک	۱۵۰۰۰	ج	۶۱۱۰

۱ - دو نفر از رفقای کارگر هواداران ما که در کوره آجربری کار میکنند، طی نامه کوا و وصمی خود نوشته اند:

"... ما سوجه سالهای شدیداً زمان به کمکهای مالی تمیم گرفته ایم که دستمزد روزهای بخشیده (خود ارا به سازمان اختام دهم".

با آرزوی پیروزی برای این رفقا، کمکهای آنها را در زیر می آوریم:

ب ۸۵۰۰  
ن ۹۵۰۰

۲ - رفیق داسن آموری از کارگران طی نامه برنور خود نوشته است:

"... من یک دانش آموز ... هوادار سازمان بینکار مینامم، مبلغ ناچیزی که پس انداز کرده ام براتان می فرستم ... به امید روزی که نظام سرما به داری در ایران بدست توانای کارگران سرنگون گردد".

با آرزوی موفقیت برای این رفیق دانش آموز کمک مالی او را در زیر درج می کنیم:

ر ۱۰۴۰۰

۳ - رفقای اتحادیه دانشجویان ایرانی در استکهلم، مبلغ ۳۰۰۰ مارک کمک مالی شما دریافت کردند.

## رفقای هوادار! دوستان مبارز!

کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید بدست ما برسانید.

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



# جنبش کارگری



## تحصن و راهپیمایی کارگران مبارز پرسیزیون

بسی از سه ماه است که کارگران مبارز شرکت با ختمانی پرسیزیون در قبال کار طاقت فرمای خود هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران در این مدت با بسیاری از مشکلات متحمل شده و خواهشهای خود را مطرح کرده اند، اما جز وعده و وعده چیزی دریافت نکرده اند!

در تاریخ ۵۹/۳/۳۱ شورای اسلامی کارکنان شرکت پرسیزیون که شورائی مترقی است طی اعلامیه‌ای سیاستهای ضدکارگری مسئولین شرکت و مقامات دولتی را افشا کرده و ضمن اعلام راهپیمائی و تحصن در فرمانداری از مردم مبارز شهر میخواهد که از خواستهای برحق کارگران پشتیبانی کنند.

روزیکشنبه اول تیرماه نزدیک به ۱۶۰۰ نفر از کارگران مقابل فرمانداری اجتماع کرده و عملاً به نماسندگان متحصن خود می پیوستند. (نماسندگان کارگران از دو هفته پیش بحالت نیمه وقت در فرمانداری متحصن بودند) کارگران بلاکاردی بر سر در فرمانداری نصب کرده بودند که خواهشهای آنها را نشان میداد:

- ۱ - پرداخت ۳ ماه حقوق معوقه و متحصن نمودن وضعیت کلی شرکت.
  - ۲ - اجرای دقیق قرارداد میان شورا و هیئت مدیره شرکت.
  - ۳ - جلب هیئت مدیره به مسجد سلیمان جهت پاسخگویی به آنها و مطالبات وارده به شورا و کارکنان در بانک دادگاه صالح.
- کارگران عمرالکشیبه با این قرار که از روز دوشنبه دوم تیرماه تحصن تمام وقت خود را آغاز کنند به خانه های خود رفتند.

روز دوشنبه ۵۹/۴/۲

در این روز کارگران در حالیکه تعدادشان از روز قبل بیشتر بود وعده ای از زمینکنان شهر سیزه آنها پیوسته بودند در مقابل فرمانداری اجتماع کردند (حدود ۲۰۰۰ نفر)

مسئولین شرکت، دادستانی دادگاه انقلاب و فرماندار و وحشزاده از تاجادنگو همدکارگران سبایلسنگودر شهر جار میزدند که ماده اند حقوق معوقه کارگران را بپردازند. آنها حتی برای اولین بار چند دستگاہ نیوس به فرمانداری فرستادند تا باسد کارگران سرکار گرفته و حقوق خویش را دریافت کنند. در این میان یکی از نماسندگان کارگران به هیئت میکروفن قرار گرفت و ضمن افشای ارتجاع محلی گفت: "چطور ندی چندین سال کار در این شرکت کسی به ما سروس بند دولتی امروز ما عزیزنده ام؟" وی ضمن تکذیب تا بعد برداخت حقوق گفت که اکنون کسی به

## شورای فرمایشی قرقره زیبا و مخالفت کارگران با آن

بسی از سه ماه است که کارگران مبارز شرکت با ختمانی پرسیزیون در قبال کار طاقت فرمای خود هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. کارگران در این مدت با بسیاری از مشکلات متحمل شده و خواهشهای خود را مطرح کرده اند، اما جز وعده و وعده چیزی دریافت نکرده اند!

در تاریخ ۵۹/۳/۳۱ شورای اسلامی کارکنان شرکت پرسیزیون که شورائی مترقی است طی اعلامیه‌ای سیاستهای ضدکارگری مسئولین شرکت و مقامات دولتی را افشا کرده و ضمن اعلام راهپیمائی و تحصن در فرمانداری از مردم مبارز شهر میخواهد که از خواستهای برحق کارگران پشتیبانی کنند.

روزیکشنبه اول تیرماه نزدیک به ۱۶۰۰ نفر از کارگران مقابل فرمانداری اجتماع کرده و عملاً به نماسندگان متحصن خود می پیوستند. (نماسندگان کارگران از دو هفته پیش بحالت نیمه وقت در فرمانداری متحصن بودند) کارگران بلاکاردی بر سر در فرمانداری نصب کرده بودند که خواهشهای آنها را نشان میداد:

- ۱ - پرداخت ۳ ماه حقوق معوقه و متحصن نمودن وضعیت کلی شرکت.
  - ۲ - اجرای دقیق قرارداد میان شورا و هیئت مدیره شرکت.
  - ۳ - جلب هیئت مدیره به مسجد سلیمان جهت پاسخگویی به آنها و مطالبات وارده به شورا و کارکنان در بانک دادگاه صالح.
- کارگران عمرالکشیبه با این قرار که از روز دوشنبه دوم تیرماه تحصن تمام وقت خود را آغاز کنند به خانه های خود رفتند.

## گرامی باد سالروز اعتصاب خونین کارگران مبارز کارخانه نساجی قائمشهر

در سالهای ساهخفغان، در سالهای گدزسم خوشوارپهلوی هرگونه مادی حق طلبانهای را سرکوب میکرد. در سالهای که ادعا مستطیعه کارگر ایران هوسزیدار شده و آمادگی برای مبارزه ندارد کارگران ایران اگر چه بدون سنگلات ساسی و آگاهی لازم، اما بطور پراکنده و غیر سازماندهی کارخانهها، اعتصاب و مبارزه میکردند، گشته مبادا دندورندای و سنگجه میشدند. این مبارزات بپراکنده که در کوسه های مختلف کشور سر بر می کشید، بدون آنکه بسوا بدر سطح گسترده ای انعکاس یابد و سوده های وسیعی را بسج نماید، بحا طرداشن آگاهی، سازماندهی و سنگلات سرکوب میشد.

ساربخ مبارزات کارگری سالهای گذشته ایران نمونه های فراوانی از اس دست راستان مدهدکنه از آن حمله میتوان به اعتصاب حوسن ۹ سرکار کارگران ساجی قائمشهر اشاره کرد.

در سه ماه سال ۱۳۵۴ کارگران مبارز ساجی قائمشهر، بعنوان اعتراض به عدم پرداخت ساسی سوت ویژه سالانه دست به اعتصاب زدند. "عالمزاده" مدیر کارخانه ابتدا کوسدنا با وعده و وعده کارگران را ار ادا به اعتصاب منصرف نماید، اما کارگران فرست او را خورده و به اعتصاب خود ادامه دادند. عالمزاده ارتش سهرایی وقت برای سرکوب کارگران باری می طلبد. در نتیجه ما موران بلس با ساسون به کارگران حمله کردند و کارگران با سنگ به حمله آنها بسج گمشدند.

نصفه در صفحه ۱۴



## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر





رئیس شهید منوچهر جعفری



رئیس پیکارگر شهید مهدی علوی شوشتری

## خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند...

### کرامی باد یاد فرزندان شهید خلق رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری ورفقا دکتر اسماعیل نریمیسا و منوچهر جعفری

با ردیکرا حکم شروع جمهوری اسلامی در آواز ۲ تن دیگر از فرزندان مبارز خلق را به جوخا عدا سپرد ، و بدین ترتیب بزرگ ساه دیگری بر صفحات ارتجاع حاکم افزون گشت ، رفیق پیکارگر مهدی علوی شوشتری ۲۵ ساله متولدا هواز و از مسئولین تشکیل دهنده آواز - ان و دانشجویان هوادار سازمان پیکار در آواز و دکتر اسماعیل نریمی سا ۳۶ ساله بزرگ یکی از بشارت ستانهای آواز و سازمان پیکار در آواز منوچهر جعفری ۳۴ ساله محرک جمع ۵۹/۴/۶ خون با کشتن بدست جلادان خلق بر زمین ریخت و بدین ترتیب ۲ ستاره سرخ دیگر بر آئین شهیدای خلق که در روز ۲۲ جمهوری اسلامی و بدست حکم شرع و ارتش ضد خلقی و با سداران سرما به بشهادت رسیده اند اما فکشت .

این دو شهید که پس از دستگیری همچون دیگر مبارزان کمونیست و غیر کمونیست تحت فشارهای جسمی و روانی شدید قرار داشتند به اتهام شرکت در حوادث دانشگاه جندی شاپور آواز که در آن عده زیادی از فرزندان خلق بدست سداران و فاعلانهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی بشهادت رسیده اند ، دستگیر شده بودند . اما برای مرتجعین که بدین خون کمونیست ها و دیگر مبارزینین هستند که در راه سپهروری زحمت کشان در تلاشند ریختن خون دهها تن از جوانان ما در حوادث دانشگاه هکافی نبود ما مورث ادا به منوطه دانشگاه بدست حکم شرع سپرده شد تا با بهترین فرزندان خلق ، دانشجویان و روسفکران انقلابی و کارگران را به جوخا عدا منبیارند .

هموطنان مبارز! کارگران ! زحمتکشان ! اعدام پیکارگر شهید مهدی علوی شوشتری و دکتر اسماعیل نریمی سا به "جرم" شرکت در حوادث دانشگاه زمانی صورت میگیرد که افتضاح بزرگ حزب جمهوری اسلامی در نوا آیت برملا شده و کا ملامعلوم کشته است که چگونه بین مرتجعین توطئه کشتار دانشجویان انقلابی و مبارز و تعطیلی دانشگاه را تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" را از قلم تدارک دیده بودند .

اعدام این فرزندان خلق زمانی صورت نمیکرد که جناح بنی صدر که نوار "آیت" را منتشر ساخته است و خود مسبب اصلی حوادث دانشگاهها را می ناساند

توطئه "آیت" و حزب را علیه بنی صدر با آب و تاب بسیار می کنند اما هرگز از توطئه علیه دانشجویان مبارز و انقلابی سخنی نمی گویند ، هرگز به اعدام دانشجویانی که در حوادث دانشگاهها و با پس از آن دستگیر و به جوخا های اعدام سپرده میشوند اعتراضی نمی نماید ، آری ، آنها نباید هم غیر این عمل کنند زیرا که در سرکوب کمونیستها و نیروهای آگاه با حزب جمهوری اسلامی

## زندگینامه پیکارگر شهید رفیق مهدی علوی شوشتری

- مهدی علوی شوشتری
- متولد سال ۱۳۲۲
- دانشجوی رشته ریاضی دانشگاه آواز
- از سن ۱۶ سالگی شروع به مبارزه علیه رژیم شاه کرد
- در دوره دبیرستان بحرم بخش اعلامه ۴۵ روز در دارالمنادب بسربرد (بعزت کمی سن)
- سال ۵۳ - ۵۲ بعدت یکسال بحرم فعالیت سیاسی در زندان رژیم شاه بود .
- در سال ۵۳ دوباره بحرم فعالیت مبارزاتی دستگیر و پس از شکنجه های فراوان به ۳/۵ سال زندان محکوم شد .
- سال ۵۶ از زندان آزاد و در حبس عظیم خلق شرکت کرد .
- سال ۵۸ به عضویت تشکلات دانشجویان هوادار سازمان درآمد .
- سال ۵۸ فعالیت به کمک سیزدهگان خوب شناخت در یکی از محلات کارگری آواز رکتا خانه ای تاسیس کرد که ۲۵ عضو داشت .
- در اردیبهشت ماه ۵۹ در جریان حوادث دانشگاه دستگیر شد .
- در محرک جمع ۶ تیرماه ۵۹ به جرم وفاداری به زحمتکشان اعدام گردید .

★ ★ ★  
رئیس مهدی در سال ۱۳۲۲ متولد شد ، در دبیرستان بود که با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد و از همان زمان یعنی سالهای ۴۸ - ۴۹ مبارزه بر علیه رژیم ارتجاعی بعه در صفحه ۱۴

هدا ستانند ، و اما آیا با توجه به این همه توطئه ها ، حاکمین شرع که دست رژیم جمهوری اسلامی در کشتار کمونیستها در بیداد - گاههای "عدل" اسلامی محبوب میشوند می توانند بر قضا می خود سربوش نهند؟ چه کسی مسبب ریخته شدن خون جوانهای مبارز و دانشگاہها شد؟ حزب جمهوری اسلامی و تشکیلات و مغز سفکران آن آیت یا دکتر نریمی ساها که در دانشگاهها بلکه از بشارت ستانهای که در آن کنار میگردند دستگیر شده است و با شوشتری ها که حدا کثر در سکردا تشکله از خود در برابر حمله و با شان دفاع نموده است؟

حکام شرع که اینچنین بی مهابا خون کمونیستها و مبارزین سیاسی را بر زمین می ریزند آیا میتوانند با اعلام اسامی آنها بعنوان "مفسدین الارض" و در کشتار متهمین به فساد و فحشا و غیره که در نهایت خود قربانیان سیستمی هستند که امروز جمهوری اسلامی مدافع آنست بر جانایات خود سربوش نهند؟ آیا شما خیال میکنید با فرار دادن اسر فقای دلاور و سیاسی مادر کشتار فاجاقجیان و فاخته ها خواهد توانست برای همیشه زدا می که بدست خود برای خود درست می کنید سربهد؟ آیا خلق ما انقا م خون فرزندان خود را از رژیم شاه بگرفت؟ - هر چند که شما در شماره آتان را متوقف ساختند - اگر راست می گوئید چرا فرزندان آگاه خلق را که در ضمن بازداشت حتی اجازه ملاقات با خانواده به آنها نمی دهید در دادگاههای علمی مخاکمه نمی کنید؟ چرا از حضور وکیل و هیئت منصفه که دیگر از پیش با اقتاده ترین حق و حقوق یک مبارز سیاسی است در هراسد؟ ما بدینوسله تجار خود را از اعدام رفیق پیکارگر - کر شهید مهدی علوی شوشتری و شهید دکتر اسماعیل نریمی سا و رئیس شهید منوچهر جعفری اعلام بکنیم و از کلیه نیروهای مفسرین و انقلابی خواهانیم که با یک اعتراض خود را علیه این قضا بسپارند و در مانع از اعمال حاکمین شرع که بدستور هیئت حاکمه و سراجتی آب خوردن فرزندان کمونیست و مبارز خلق را به جوخا عدا میسپارند گردند! کرامی ما یاد شهیدای بخون خفته خلق دست خون آلود جلادان از گلولی فرزندان خلق کوتاه ! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۴/۸

اعلامه شماره ۸۸

## برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک



# خلقها ومسئله ملی



## کردستان قهرمان می‌رزد

هما نظور که درتها جم مردا دما گذشته به کردستان  
رژیم جمهوری اسلامی با شکست مواجه شد، این بار نیز  
علیرغم تصرف چند شهر، نتوانسته و نخواهد توانست بر  
با صلاح "حاکمیت جمهوری اسلامی" در کردستان جا  
عمل بپوشاند. چرا که با هر روز، شاهدان گوناگون  
از مبارزات خلق کرد، برای رهایی از قیدستم ملی و  
طبقا شی هستیم. از نظرها و اعتراضات و اعتراضات  
عمومی گرفته تا حملات قهرمانانه پیشمرگان انقلابی  
به ارتش و پاسداران و جاساها، همه و همه بسیار روحیه  
شگرفی از مقاومت و تسخیرناپذیری خلق کرد هستند، همان  
روحیه‌ای که رژیم را به تلاشی بی‌بازگشت و بی‌بازگشت  
تهدید و فریب وادار ساخته است.

شهی قاره مان شیره بیاوران

ناوی تویه بوته سرودی لاوان

## جاودان باد یاد پیشمرگه قهرمان کاک عطاء طاطائی

هفته پیش خلق کردیکی دیگر از پیشمرگان  
رزمنده و جانبا ز خود را از دست داد. پیشمرگه انقلابی و  
بیکار زگر شهید رفیق "عطاء الله طاطائی" در راه رهایی  
خلق کرد از قیدستم ملی و طبقا شی عاشقانه جان باخت  
و بدین ترتیب شهیدی دیگر بر خیل شهدای پیشما خلق  
کردا افزوده شد. یادش گرامی و راهش با یادا!

کمیته کردستان سازمان ما در این مورد اعلامیه -  
ای منتشر کرده که قسمتها شی از آنرا در اینجا مآوریم:  
خلق مبارز کرد!

در شرایطی که مقاومت و مبارزه انقلابی هر دم  
شعله و رت می شود انقلابیون خستگی ناپذیرند و مخط  
خونین انقلاب را برای پیوستن به دریای آزادی  
توده ها تضمین می نمایند. کاک عطاء طاطائی یکی از  
همین قهرمانان بوده که کل زندگی اش در عصفوان  
جوانی بدست دژ خیمان برپر شد.

کاک عطاء سال ۱۳۴۰ در یک خانواده متوسط در  
شهر سقز دنیا آمد. او در دوران ۵۷-۵۶ مبارزات توده  
های خلق بر علیه رژیم شاه مزدور، به مبارزه رو  
آورد و دستریخ در مبارزات شهری فعالانه شرکت نمود.  
با شرکت در اعتراضات و تحصن ها، بخش اعلامیه و شعرا -  
نویسی ها، عشق خود را به انقلاب نشان می داد و کینه  
خود را به دولت حاکم بیشتر و بیشتر میکرد. در این  
دوره از زندگی اش، در سن دانش آموزان به کنار  
تبلیغی می پرداخت و در آگاه شدن آنها نقش فعالی  
داشت.

بعد از قیام بهر شکوه توده هادریمن ۵۷ و یورش و حشانه  
پاسداران ارتجاع و ارتش ضد خلقی به کردستان،  
رفیق عطاء فعالیت خود را در سطوح مختلف گسترش داد.  
او در مدرسه‌ای (مدرسه معدق سقز)، در حال آباد (یکی  
از محلات فقیرنشین سقز) با خواندن اعلامیه ها و  
جزوات انقلابی، توده های مستعد را به آگاه سازی  
و اتحاد در همون میبرد.

رفیق عطاء در جریان یورش ۲۸ مرداد ۵۸ رژیم  
هواد سازمان بیکار شد و ممترا گذشته در مقابل  
دشمن خلقهای ایران فعالانه مقاومت و مبارزه  
پرداخت. او علاوه بر فعالیت تبلیغی در میان توده های  
شهری در شرایط حاجتگی همرا با رفقای همزمش  
با نارتجک و کوکتل مولوتف قهرمانانه به ارتجاع  
ضربه میزد. کاک عطاء در سال آخر دبیرستان بود که برای



بسیار کسرتده بسیار توده های خلق مدرسه را ترک نمود و  
سین با توجه به ایستادگی و کارآیی اش اسلحه بدست  
گرفت و بجمع پیشمرگان سازمان پیوست.

کاک عطاء همرا با برچهره مبارزین در روستا ها به کار  
توده های مشغول بود و توده ها را برای مبارزه و مقاومت  
آماده میکرد که کردستان را هدیه و خون و حشانه دیگری  
شد. جنگ تحمیلی شد و کاک عطاء نیز همرا دیگر انقلابیون  
برای دفاع از خواستهای برحق خلق در شهر سقز به  
مقاومت و مبارزه مسلحانه پرداخت. همزم جوان  
ما بدست یکما در سقز با ضد خلق جنگید و متناگانه در در -  
گیری ۲۵ خرداد "میرده" (در جاده سقز به نه) که پیشمرگان  
سازمان بیکار ریک رسوی ارتشی با ۱۳ سرتش را به  
مدت ۴ ساعت در کمین خود داشتند، شهید شد. کاک عطاء  
شهید شد و خون پاکش جاده انقلاب خلقهای ایران  
را گلگون تر نمود.

آری! پیشمرک جوان، این چنین انقلاب را به  
آستانه پیروزی نزدیک تر کرد و خلق کرد را بنجین  
پیشمرگی را از دست داد. اما خلق مستعد و دلیر کرد  
با تقدیم خون کاک عطاء، جاده سرخ انقلاب را تس  
برقراری کردستان خود مختار را برای مستقل و  
دموکراتیک قاطع تر و ایستاد تر می بیند.  
با در فقی عطاء طاطائی گرامی با دور زمش پیروز

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
(کمیته کردستان)

۵۹/۳/۲۹



## سندج (۵۹/۳/۲۴) اعدام رفیق "لیلا مرادی" هوادار سازمان پیکار

در نظرها شی که مردم مبارز شهر سندج  
علیه وحشیگری های عوامل مزدور رژیم جمهوری  
اسلامی، ترتیب داده بودند، رفیق "لیلا مرادی" بدست  
خود فروختگان دستگیر و به دگان برده میشود. این  
مبارز انقلابی در بازجویی، توسط "سرهنگ صدری" خاش  
شدیداً مورد آزار و تفرقه و تهنیت و سپس به جاده اعدام  
سپرده میشود.

با در فقی شهید لیلا و تمامی شهدای جنبش معاویت  
خلق کرد گرامی باد!

نقده (۵۹/۳/۲۵)

## انتخاب عمومی اهالی مبارز نقده

اهالی کردنشین نقده، بعد از زنده رهای بشمار  
به مقامات دولتی شهر برای تامین جانی و مالی خود  
و همچنین عدم آزادی ۲ تن از فرزندان خود، بنامهای  
محمد صمدی (حلم) و رحیم بشتاد (دانش آموز) که ۱۰  
روز است بدون هیچ دلیلی دستگیر شده اند، اعلام ۳  
روز تعطیل عمومی نمودند. مردم مبارز نقده از صبح  
امروز با انتخاب متحدانه خود را شروع کردند و با مسلم  
نمودند که اعتبار تا ۲۷ خرداد داده خواهد شد.  
کردهای مبارز نقده طی اعلامیه‌ای از ابراداران ترک  
شهر نیز، دعوت به یکتایی و همکاری نمودند. آنها  
همچنین هندارادانند که در صورت عدم آزادی دونفر  
مذکور تصمیمات قاطع و جدیتری اتخاذ خواهد کرد.  
آری خلق کرد در مقابل یورش و توطئه های رژیم  
ساکت ننشسته و مبارزه خود را در اشکال مختلف ادامه  
خواهد داد.

## بانده (۵۹/۳/۲۷) حمله به روستای (آرمده) وشهادت ۳ تن از اهالی

در این روز ارتش و پاسداران، چهار  
بار به روستای آرمده "حمله کردند این حملات که  
تحت حمایت هلی کوپترها، انجام گرفت. محجر شهادت  
۳ تن از مردم بیدفاع "آرمده" و زخمی شدن ۱۲ تن  
دیگر گردید که حال ۳ نفر از مجروحین وخیم است.  
شهدا عبارتند از: شیخ حسین اهل نوکل رحیم رحمانی  
بقیه در صفحه ۱۵

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



# اگر مرداب بسوزد، پشه ها خود می میرند آیا اعدام سوداگران مرگ راه ریشه کن کردن اعتیاد است؟

● زمینه اعتیاد و قاچاق مواد مخدر هم در چارچوب یک نظام طبقاتی همانند ایران، هرگز از بین نمی رود. و هراقدمی که در این مورد صورت گیرد جنبه موقتی و مسکن دارد، جنبه کشتن "پشه ها" دیده نشود و سستن از "مرداب" دارد، جنبه مبارزه معلول دارد و به همین دلیل هم رژیم جمهوری اسلامی قطعاً موفق نخواهد شد که قاچاق مواد مخدر را نابود سازد.



● شبکه های قاچاق در قبال تهاجم رژیم بدانها تسکلات خود را بیچیده تر میکنند و خود را با شرایط وقف میدهند و برزندگسی انگلیسی و جنایتکارانه خود بازهم ادامه میدهند.

● جوانانی که کاربرد ست نمی آورند با توجه به فرهنگ منطبق حاکم بر جوامع طبقاتی از جمله ایران، احتمال "پناه بردنشان بسوی اعتیاد برای فرار از مشکلات زندگی بسیار زیاد است و در واقع از غرق (بیکاری) فرار میکنند و به مار غاشبه (اعتیاد) پناه می برند.

این روزها تبلیغات زیادی بیرون اقدامات آقای خلیلی بر علیه قاچاقچیان مواد مخدر صورت می گیرد. مضمون کلیه این تبلیغات اینست که با اعدام قاچاقچیان و تنگ کردن عرصه بر آنان بدین صورت، امر توزیع مواد مخدر متوقف میشود و "مداوای معتادان، همزمان با این اقدامات جامعه ما از این خطر در دناک و کشنده رها می شود. و تعداد بسیاری از جوانان و افراد جامعه که هم اکنون در دام مهلک اعتیاد گرفتار شده اند، نجات می یابند، و از زندگی فلاکت باری که دارند، بسوی یک زندگی نوام با سازندگی و شادابی سوق داده میشوند. اما آیا چنین خواهد شد و اینگونه مقابله با مسئله توزیع مواد مخدر و اعتیاد کار ساز خواهد بود؟ آیا با چنین روشی و با معانیت بدین مضمون میتوان آرزوی هم وطنان را برآورده ساخت و اعتیاد قابل توجهی از مردم را از رنج و فلاکت رها کند؟ بنظر ما جواب کاملاً منفی است و اینگونه اقدامات و کوشش ها هرگز نمی توان با قاچاقچیان مواد مخدر، با توزیع این مواد مرگ آفرین و با اعتیاد مبارزه کرد. چرا که این روش مبارزه معلول است و علت کار می ندارد. در حالیکه علت وجود دارد، هرگز مبارزه با معلول به بیسرورزی نخواهد انجامید. تا زمانی که مرداب که منشا تولید پشه های آلوده است موجود است، ما نمی توانیم پشه ها را کاملاً نابود سازیم. با نابود مرداب راجحکاسم آنگاه، پشه ها خود می میرند.

اما علت چیست؟ علت همانا وجود نظام سرمایه داری و بسته در ایران است. در نظام طبقاتی که بر اساس استثمار افراد و فردمبستی هستند، اینگونه آفات و مضرات برای انسانها و جامعه انسانی... واقعیتی انکارنا پذیر است. واقعیتی که در جامعه فئودالی بنوعی و در جامعه سرمایه داری بنحلی دیگر بروز میکند. فحشا، دزدی، اعتیاد، قاچاقچیکری، کلابرداری... از آثار طبیعی جوامع طبقاتی هستند، و در جامعه فئودالی سرمایه داری، هر دو، وجود دارند. اما در جوامع سرمایه داری و بویژه در جوامع امپریالیستی این آثار بنحلی گسترده تر و در عین حال با پوشش های فریبنده تری وجود دارند. ما در اینجا بخاطر جلوگیری از طولانی شدن این مقاله بدین "آثار" یعنی اعتیاد، فحشا، دزدی... نمی پردازیم. و فقط نمونه ای از این "آثار" (قاچاق مواد مخدر و اعتیاد) را آنگاه بطور مختصراً مورد توجه قرار می دهیم. میدانیم که امرفا قاچاق، به مواد مخدر منحصر و محدود نمی شود و کوشش برای کسب "سود" بیشتر قاچاق در مورد کالاها و مختلف و گوناگون را بوجود آورده است ولی ما فقط به قاچاق مواد مخدر و مسئله اعتیاد می پردازیم. در جامعه ای که اساسش و معیارش "سود" و سودآوری می باشد، در جامعه ای که باطر "سود" بیشتر اقلیتی اکثریت آن جامعه در فقر و فقر فاقه بسر می برند، در جامعه ای که باطر تحصیل سود زیاد در دنیا نیست سرمایه، میلیونها انسان از ابتدائی ترین ما اجناس روزمره زندگی محروم می شوند... در چنین جامعه ای عجیب نیست که عده ای هم برای کسب سود زیاد به تجارت مرگ آفرین مواد مخدر دست بزنند. یعنی تجارت مرگ. وقتی سود معیار و معک باشد، همه چیز مجاز است، هر جنبیتی توجیه پذیر است. مگر تجارت اسلحه توسط امپریالیستها و ایجاد جنگ های تحمیلی و غیرتالیانه به خلفهای تحت ستم تجارت مرگ نیست. مگر...؟ آری، آنجا که "سود" و "منفعت" اهرم اصلی یک سیستم تولیدی باشد، و تمام راهها بدان ختم شود، عجیب نیست

کفنی در قضا وجود نمی آورد. چرا که سرمایه داری وابسته به اجناس است. سرمایه داران وجود دارند. و شبکه های قاچاق موجودند. (اگرچه بخشی از قاچاقچیان خانواده بیلوی... فرار کرده اند) و این شبکه ها با توجه به سود سزایی که می برند، با توجه به ارتباطشان با شبکه های جهانی قاچاق و با توجه به زمینه های که برای اعتیاد در جامعه طبقاتی وجود دارد، با اعدام عناصری از آنها و حتی کشف برخی از این شبکه ها و انحلال آنها از بین نمی روند. این شبکه های قاچاق در قبال تهاجم رژیم بدانها، تسکلات خود را بیچیده تر میکنند و خود را با شرایط وقف می دهند. و به زندگی ابگلی و جنایتکارانه خود بازهم ادامه می دهند. و حتی بعلمت اشکالاتی که در توزیع مواد مخدر ایجاد میکنند و با در نظر داشتن تقاضای زیاد، قیمت این مواد مرگ آفرین را بالا می برند و اگر تا دیروز مثلاً با فروش یک کیلو هروئین ۲۰۰۰۰۰ تومان سود می بردند، امروز با فروش ۲۰۰ گرم، آن سود را بدست می آورند. چرا که زمینه و بازار وسیع تر شده و فقط توزیع مواد نسبت به قبیل مشکل تر شده و برخی از رقبای احتمالی از دور خارج شده اند. و بدین ترتیب قاچاق مواد مخدر سود آورتر شده و از همین رو علیرغم خطرات، این "کسب" و "تجارت" باقی می ماند. و خطرات موجود در این راه هم با ملحوظ داشتن سود سزایی که کسب بهیچ وجه نمی توان بدین صورت مانعی تعیین کننده و حتی مهم محسوب شود.

گفته میشود که در ایران اکنون حدود دو میلیون معتاد وجود دارد. با یک نگاه سطحی به این معتادین درمی یابیم که اکثریت آنها از اقشار متوسط و محروم اجتماعی هستند و کسانی که از اقشار طبقات مرتفع و ثروتمند معنا شده اند در اقلیت قرار دارند. زمینه های گرایش این اکثریت "سوی اعتیاد و مواد مخدر چیزی نیست جز راجحی ها و رفتارهای مادی و معنوی که ناشی از ستم طبقاتی است. این ستم طبقاتی که

که برای رسیدن به هدف (سود و منفعت) به هر وسیله ای توسل جست. در چنین جامعه ای هدف وسیله را کما ملاء توجیه میکند. حال این "وسله" ها بعضی ها دارای ظاهری خوب و پسندیده هستند و ما هیت واقعی شان فی الغور برای همه قابل درک نیست و برخی دیگر حتی ظاهراً نوسزید و ناپسند است. نمونه اول مثل تجارت اسلحه که بنظر "قانونی" و "رسمی" صورت می گیرد، و نمونه دوم مثل قاچاق مواد مخدر است که بصورت "غیر قانونی" و "غیر رسمی" صورت می پذیرد. لکن این دو تجارت علیرغم ظاهراً نوسزید و ناپسند بودن آنها، هر دو در خدمت سرمایه داری و کسب سود بیشتر قرار دارند و هر دو تجارت مرگ هستند. اما دومی یعنی تجارت مواد مخدر با طرز بازرشت آن (همانند باطنش از دور تر برای مردم تاخته میشود و از همین رو هم بیشتر مورد تنفر آنها قرار دارد. و در همین رابطه هم است که کلیه دول کشورهای امپریالیستی، سرمایه داری، سرمایه داری وابسته... نیز به اصطلاح قوانینی بر علیه این "تجارت" وضع کرده اند و جنگلی چنین "تجارتی" را در ظاهر محکوم و ممنوع نموده اند، تا اذهان را متوجه کنند. و به مردم تحت ستم بنظور وانمود سازند که در جهت کمک و یاری بدانها فعالیت می کنند. در حالیکه بسیاری از عناصری که در این شبکه های قاچاق مواد مخدر قرار دارند، در راس اهرمهای دولتی جوامع طبقاتی نیز می باشند. جای دور نمی روم، ایران خودمان را مثال می زنیم. مگر رژیم شاه و حلال آنچه ها بهیوی "مبارزه با اعتیاد" و مبارزه با قاچاق مواد مخدر را نمی انداخت؟ ولی کیست که نداند در باره جنایتکار خود از گردانندگان شبکه های قاچاق در ایران بود. این موضوع به ایران محدود نمی شود و آنرا با راجحی می توان در کشورهای دیگر منجمله آمریکا، ترکیه، کوبا، سوئی... دید. ممکن است در اینجا گفته شود که در ایران کنونی "درباری" وجود ندارد و حکومت خود را با قاچاق مواد مخدر حمایت نمی کند. ما می گوئیم این مسئله تفاوت



اگر...

تا بلستم سیاسی،ستم اقتصادی،ستم فرهنگی و... است که این اکثریت را بسوی اعتقاد دموکراتیک سوق می دهد، وجود این "اعتقاد سه فضا"، دزدی و جنایت دامن می زند، ستم طبقاتی اجازه نمی دهد که نیروها و استعدادهای انسانها بکار گرفته شود. بیکاری که ذاتی سیستم سرمایه داری است (و در سرمایه داری وابسته بعلی این بیکاری نیستش بالا می رود) خود زمینه مهمی برای کشنده شدن بطرف مواد مخدر است. کارمندان کارگری که اجزای می شود و جوانانی که کار ریست نمی آورند، با توجه به فرهنگ منحط حاکم بر جوامع طبقاتی از جمله ایران، احتمال "پناه" بردنشان بسوی اعتقاد بسرای فرار از مشکلات زندگی بسیار زیاد است، و در واقع از غریب (بیکاری) فرار می کنند و به ما رفاشه (اعتقاد) پناه می برند. علت زوی آوردن آن "قلبت" مرفه را هم بسوی اعتقاد، با زاریا بد در طبقاتی بودن جامعه دید، اقلیت مرفه و تکمیل راهی که از قبل استعمار اکثریت بوده ها کارگران و زحمتکشان، ارتزاق می کنند و به تن بیوری و بیکاری خود گرفته اند، به هر وسیله ای دست میزنند تا غریب خود را رها کند. و از "بیکاری" (البسته از نوع دیگرش) نجات یابند! از جمله این "وسله" ها یکی هم مواد مخدر است...

بسیار آنچه رفت، با بدست مبرم را ازین بردن با زاری برای مواد مخدر خود ندانسته اند. و بدست وسیله علت وجودی قاچاق مواد مخدر هم ازین برود. زمینه اعتقاد دوقاچاق مواد مخدر هم در جابجایی نظام طبقاتی همانند ایران، هرگز از زمین نمی رود. و هر اقدامی که در این مورد صورت گیرد، جنبه موقتی و ممکن دارد، جنبه کشش "پناه" و دیده فرو بستن از "مرداب" دارد، جنبه میا رزه ها معلول دار و سهیمین دلیل هم رژیم جمهوری اسلامی قطعاً موفق نخواهد شد که قاچاق مواد مخدر را نابود سازد، اعتقاد در از زمین سیرد، و معنا دین را معالجه کند، و سلامت روحی و جسمی را بدندان بازگرداند. حال حتی اگر اقدامات مداوی مریض و معنا دهد ما باشد. زیرا همانطور که تجربه نشان داده، معنا بدست زمینه موجود، مدت کمی پس از "مداوی" مجدداً گرفتار مواد مخدر می شود و کمتر معنای بوده است (بویژه معنایان به هروئین) که برای همیشه در یک جامعه طبقاتی از شر اعتیاد درها شای پیدا کرده باشد، اینجاست که به روینا شای بودن و صوری بودن اقدامات خلخالی و رژیم (چه اعتدایش، چه مداویش) بی می بریم، در حالیکه اگر باریشه میا رزه شود، یعنی بر علیه نظام سرمایه داری وابسته اقدام شود، (چیزی که از توان رژیم جمهوری اسلامی خارج است - رژیم که خود به با زاری سیستم سرمایه داری وابسته ایران برداخته است)، و این نظام نابود گردد، وجهه جمهوری دموکراتیک خلق برهبری پرولتاریا برقرار نشود، مسئله اعتیاد دوقاچاق مواد مخدر هم قابل حل هستند همانطور که مسائل دیگری از قبیل مسکن، گرانسی، فحشا، و... قابل حل اند. و این راناریخ انقلابات دموکراتیک و سوسیالیستی برهبری طبقه کارگر بخوبی نشان داده است و برای نمونه میتوان چنین و بیستمان را بعد از پیروزی انقلاب نشان ذکر کرد، بویژه در چین برهبری حزب کمونیست میلیونها نفر معتمد از جنگال لغت آورا اعتیاد درها گشته و نیروی کارشان که بوسیله غریب مواد مخدر به بند کشیده شده بود، آزاد گردید و در جهت تکوفا شای و آبادانی کشور بکار گرفته شد.

# دسترنج زحمتکشان در جیب گشاد مفتخواران ۲۵۰۰۰ تومان حقوق ماهیانه سران حزب جمهوری اسلامی

در شرایطی که تورم، گرانی و کمبودها محتاج زندگی از یک طرف و پاشیدن بودن دستمزدها و بیکاری از طرف دیگر کارگران و زحمتکشان را زبرفنا رکننده ای قرار داده است و در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی، هرگونه صدای حق طلبانه کارگران را با کلوله و جملاتی و تکفیر پاش می دهد، سردمداران حزب جمهوری اسلامی و مفتخواران رژیم حاکم هزاران تومان حقوق ماهانه دریافت می کنند.

اسنادی که ملاحظه می کنید، تا حد این ادعای ماست و نشان میدهد که آیت الله دکتربهشتی و آیت الله موسوی از دبلی (ب) طبق قانون مصوبه رژیم منصور تا ۲۵۰۰۰ تومان بر خورد دارند این آقایان "آیت اللهها" و "با صلاح" حاکمان مستضعفین که از برکت انقلاب شکوهمند شده های زحمتکش

اکنون بر مسند قدرت نشسته اند، حقوقی معادل بیش از ۱۲/۵ برابر حقوق ماهیانه یک کارگر ساده را می گیرند و روشن است که این مبلغ از هج منسی نامس مستود حرار دسترنج و عرق جبین کارگران و زحمتکشان ما که توسط "سرمایه داران اسلام پناه" استعمار میشوند.

دست مفتخواران از دسترنج زحمتکشان کوباه! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
سری ب - ب - ش. ۶۲۰  
۱۳۵۹/۴/۶

■ - البته آقای موسوی اردبیلی در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ پنجشنبه ۵ تیرماه ۵۹ ادعا کرده اند که تاکنون از دادگستری وجهی دریافت نکرده اند که ما فضا و آسرا به دیده خوانندگان ما میگذاریم!

تاریخ: ۳۰ تیر ۵۹  
شماره: ۱۵۷۱۹  
پست: وزارت دادگستری  
اداره کل ابراهامی

چون جناب مستفاد جناب "حج" الاسلام آیت الله دکتربهشتی محمد حسین بهشتی بموجب فرمان مقام رهبری بر مسند در برنامانی کشور منصوب شده اند تا بر این باستاند تصمیمی ذیل ماده ۲ قانون مربوط به هزینه های دادگستری و ثبت و اعلی قیامت صوب سال ۱۳۳۴ از تاریخ ۵/۱۲/۵۸ حقوق و مزایای ایشانرا معادل حقوق و مزایای (حقوق ۱۲۵۰۰۰ ریال و فوق العاده ۱۲۵۰۰۰ ریال) و با رعایت ماده یک لایحه قانونی مربوط به حداقل و حداکثر حقوق صوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران بر اذیت نماید.

معاون اداری و مالی وزارت دادگستری  
۱۳۵۷/۱۱/۸

تاریخ: ۳۰ تیر ۵۹  
شماره: ۱۵۷۱۹  
پست: وزارت دادگستری  
اداره کل ابراهامی

چون جناب مستفاد جناب "حج" الاسلام آیت الله دکتربهشتی محمد حسین بهشتی بموجب فرمان مقام رهبری بر مسند در برنامانی کشور منصوب شده اند تا بر این باستاند تصمیمی ذیل ماده ۲ قانون مربوط به هزینه های دادگستری و ثبت و اعلی قیامت صوب سال ۱۳۳۴ از تاریخ ۵/۱۲/۵۸ حقوق و مزایای ایشانرا معادل حقوق و مزایای (حقوق ۱۲۵۰۰۰ ریال و فوق العاده ۱۲۵۰۰۰ ریال) و با رعایت ماده یک لایحه قانونی مربوط به حداقل و حداکثر حقوق صوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران بر اذیت نماید.

معاون اداری و مالی وزارت دادگستری  
۱۳۵۷/۱۱/۸

از شرایط بحرانی جامعه ما در تلاشند، علیرغم اینکه کمونیستها، همواره نفرت و انزجار خود را از جنبش اقدامات جنا بیکارانه و عا ملین ضد خلقی آنها، بارها و بارها اعلام نموده اند، اما بعد از هرجا ده ای از این قبیل، رژیم جمهوری اسلامی به سمپاشی علیه انقلابین و بویژه کمونیستها پرداخته است تا زمینه را برای کشتار کمونیستها و نیروهای انقلابی تحت عنوان اعدای خرابکاران و... مهیا سازند، ما ضمن محکوم ساختن چنین اعمال جنا بیکارانه و ابراز نفرت از آدمکشانی که جان هم میبند ما را و شقیه نیل به هدفهای سنگین خود قرار داده اند، به بازماندگان حادثه خونین احوال تسلیت میگوییم و نیروهای انقلابی، کارگران، زحمتکشان و دیگر هموطنان را به هوشیاری هر چه بیشتر برای مقابله با توطئه های خدا نقلاب و افشای سوء استفاده رژیم جمهوری اسلامی از آن فرامیخوانیم

## چه کسانی بمب گذاری میکنند؟

روز سه شنبه سوم تیر ما ه انفجار یک بمب قوی در یکی از خیابانهای پرازدحام ا هواز ۹ کشته و ۵۰ مجروح بجای گذاشت. این بمب گذاریها که مردم بیگناه را هدف قرار داده، کارسایا و کبها و عمال رژیم سابق که آزادانه می چرخند و جنا بیکاران مزدور دست عمرا ق و مرتجعینی است که برای نیل به مقاصد ملیتد سیاسی خود به کثیف ترین شیوه های تروریستی دست میازند چنین اعمال جنا بیکارانه ای که بویژه در خوزستان انجام میگیرد، عم رذالت مزدوران رژیم فاشیستی عراق و ابادی امپریالیسم را نشان میدهد که برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم زحمتکش و برای بهره برداری



بقیه از صفحه ۱

سازمان ...

سازمان بخش اکثریت که لحاظ مئی و ایدئولوژی حاکم بر آن و نیز مستگیری طبقاتی آن بر مبنای سبک جریان رویزیونیستی شمار می آید، امروزه به معنی گسترده علیه ما رگسملینیم دست زده و در پی عملی ساختن مارش با سوزواری می باشد. این سازمان که در پی یک انتقام با وجود آمد، همچنان از بلاطم درونی برخوردار است، بلاطمی که مانی از سرکشتنا همگوس درونی است. بحران و بیرویه بحریه در این سازمان هنوز به یگان خود نرسیده است. عماد صرا سیرسی و در عین حال متزلزل در فعال جریان ملط رهبری رویزیونیست حرف آخر خود را نگفته اند. آنان اگر قادر نبودند تا بحران رویزیونیستی مریضی نماید، خود اسخاله که مال سوزواری شده اند، خواهند کرد.

در حال حاضر اس سازمان سرعبع عوژ سودای خود را از دست می دهد و سوده های منارین اریسین با مئی ملط مریضی می نماند. از اس لحاظ جریان رویزیونیستی رهبری برای اسنکه به افراد کامل کشیده سوده مگیری تبلیغات دست زده و ار حمله مریضی اساسی خود را تا سازمان انقلابی در پی مئی جریکی و نمودی سازد. مادر اسخا در پی آن هسسم با سان دهم که مئی مئی جریکی از حاست جریان رویزیونیستی اکثریت اردی که ای رویزیونیستی صورت می گیرد. (۱۱)

دوموضع متضاد در نفی مئی جریکی

حسین نوبس کمونیستی ایران در اولین مرحله بولوش دغا را بحزاف غیر پرولتری مئی جریکی سد. حاکمیت اس انحراف آوانورونیستی طی السلسل درازی بر حشش کمونیستی ما مانع از آن کردند تا نیروهای سویی اس حسین در جهت تحق و طایف اساسی کمونیستی و طبقاتی خود کاما بپردازند. لیکن سر مینا زده طبقاتی و تحولات سیاسی طبقاتی در عرصه اجتماع و نیز اساعه هر چه بیشتر فرهنگ ماریکسیستی - لنینیستی منحربدان گردیدند تا در سطح حشش کمونیستی تحولات سویی روی دهد و سکتت عزیزان مئی جریکی در عرصه شوروی و پیرانک بوضوح مشخص گردد.

مئی جریکی بمنشاه یک مئی خرده سوزواری که ما هیئتاً توان از اس سخوشی نه و طایف سیاسی -

(۱) - البته ما شناخت دقیقی را چه مضمون و حکونکی مریضی رفقای سازمان اقلیت با مئی جریکی نداریم، ولی آنچه که ز فحوا ی برخی مطالبی که تا کنون انتشار پیدا کرده است، استنباط می کنیم، اینست که اس رفقای هنوز به مریضی پرولتری و همچنان به اس مئی غیر پرولتری نرسیده اند. روشن است که مئی جریکی اگر چه لحاظ ایمن به قهر انقلابی، طرد فریمیم و... دارای جوهر انقلابی بوده و دستاوردهای همچون دفاع مسلحانه، سنت مینا زده انقلابی با ارتجاع، سازماندهی مئی و... داشته است ولی اس امر مانع از آن نمی شود که بگوئیم اس مئی فاقد مائی هیس پیولتری بوده است. به علاوه رفقای سازمان اقلیت مواضع خود را در باره رویزیونیسم، ما هیت حزب توده و سوسال امیریا لیسیم بطور مئی روشن نمانده اند. روشن است که عدم مریضی قاطع با اس مسائل اساسی خطرات جدی در پی خواهد داشت. سرنوشت غم انگیز سازمان اکثریت تا حد این مدعا ست.

سکلیانی در فعال بیرونا را بود، از دو سوم مورد نفی قرار گرفت:

۱- نیروهای سویی که در روند قیام سوسی - طبقاتی به جانب بیرونا را سنگسری نمودند به نفی انقلابی و پرولتری مئی جریکی و اتحاد مئی کمونیستی پرداختند. اس نیروها به نفی مئی غیر پرولتری جریکی دست زدند. زیرا اس مئی و طایف سیاسی سکلیانی عمرا که در فعال طبقت کارگزار مئی کرده، اسفلال ایدئولوژیک سیاسی سکلیانی بیرونا را مئی نموده و اس مئی سرورب سکیل حزب عملا همونی و رهبری اس طبقتا به آخر

- جریان رویزیونیستی س. ج. ف. ح. تا حائتی بیش می رود که مبارزه طبقاتی علیه قدرت سیاسی سوزواری و سرمایه داری وابسته و نیز انقلاب رانفی می نماید و حاضر می شود که صلح طبقاتی تحت حاکمیت سوزواری را بپذیرد. همد!
- مریضی رویزیونیستی جریان رویزیونیستی اکثریت با مئی جریکی هنگامی یا زتر میگرد که ما متوجه می شویم که اس جریان نمی تواند با دیدگاه و درک حزب توده رویزیونیست در این مورد مریضی کند.
- دوشن از سران جریان رویزیونیستی در مذاکره با مئی به اوستی به اوقول می دهند که در کنار سوزواری علیه نیروهای انقلابی نمانند، قول می دهند که در برابر "گومبارد ها" یا "ورسائی ها" دست اتحاد دهند!

سکینورا اس انقلاب دموکراسک و صدا میریا لیسینی ایران منعی میدانست. زیرا اس مئی از ادعایانه مبارزه مسلحانه جدا رسوده را حاسن مبارزه طبقاتی سوده ها و مبارزه مسلحانه سوده ای نموده و مئی با رحمانه طبقتا کارگر سوده ها و سیرسفتن نسما سیرولنار را مئی می نمود.

۲- نیروهای که از موضع رویزیونیستی و با سفسی، مئی جریکی را مئی کرده و تحت سوسن ما رگسملینیم، تسلیم طلبی در برابر سوزواری را شعار اساسی خود قرار دادند. دیدگاه اس نیروها ملیم از مئی رویزیونیستی حزب توده، از مئی جریکی به در قهر انقلابی بطور کلی و قهر انقلابی سوده ای رسیده و عملا از کونی نظام طبقاتی حاکم و انقلاب اجتماع را از سوزواریا زده طبقاتی خارج دانستند. آن در پی انحراف غیر پرولتری جریکی به مریضی رویزیونیستی دست زده و عملا مبلغ جوهر اساسی خط مئی رویزیونیستی را حزب توده کشند. معنی طبقاتی اس مریضی جریکی در جهت درجه سوزواری چیز دیگری نمی توانست باشد.

در حشش کمونیستی ایران رد مئی جریکی از جانب سازمان ما نموده برجسته ای از مریضی سوسی پرولتری با انحرافات غیر پرولتری بود. در حشش منسعب از سازمان ما هدین خلق انحراف مئی حاکم بر سازمان از دو موضع انحرافی مورد نقد قرار گرفته بود: یکی، موضعی که از زاویه ای ایورونیستی و در عین حال با سفسی از مئی جریکی به نفی مبارزه انقلابی علیه نظام حاکم رسیده بود و دیگری، موضعی که از زاویه ای ایورونیستی انحراف با عدم انحراف مئی جریکی راه وجودی با عدم وجود شرایط عینی انقلاب موکل کرده و بر انحراف مائی غیر پرولتری جریکی برده، اس نرمی انداخت. مسئله اساسی ایس نبود که صرفاً به مریضی مئی جریکی پرداخته شود، مسئله اساسی این بود که مریضی با اس مئی انحرافی و خرده سوزواری سیک آلترناتسو انقلابی و کمونیستی بیانجامد.

سازمان ما بدین دلیل به رد مئی جریکی پرداخت زیرا اس مئی غیر پرولتری بر اس ما هیت خود با جایگزین کردن مبارزه مسلحانه جدا از توده بجای

مبارزه طبقاتی توده ها و نتیجتاً با نفی مبارزه طبقاتی سوده ها و کار ساسی سکلیانی در مان بیرونا را و در آخر مئی حزب طبقتا رگر، مئی بیرونا را در انقلاب دموکراسک و ضرورت همونی اس طبقتا در انقلاب را نمانده می گرفت. زیرا که اس مئی با مئی مبارزه طبقاتی توده ها و مبارزه مسلحانه آنان به نفی انقلاب بیرونی و سوزواریا زکونی قهر میز نظام طبقاتی حاکم می رسد: اس مئی از آن جهت مورد نقد و نفی قرار گرفت که ما هیئتاً توان از اس زماندهی و هدایت وارنفا، مبارزه طبقاتی در جهت اسفلال جمهوری دموکراسک خلق سیرسری طبقتا کارگرو کردار

- حواسالم بود. آری، مئی جریکی بدین لحاظ مورد نفی انقلابی واقع شد چرا که ما هیئتاً توان از سیرسرد مبارزه طبقاتی با اسخام انقلاب اجتماع می بود. اس مئی بدین لحاظ نفی شد اسه به طرح آلترناتسو انقلابی معنی اتحاد مئی سوده ای کمونیستی و اس بودی رژیم سرمایه داری وابسته اس میریا لیسیم و سرفزاری جمهوری دموکراسک خلق سیرسری بیرونا را بیانجامد.

رد اس مئی انحرافی از موضعی پرولتری و حاکمیت مئی کمونیستی، نمی توانست دستاورد بزرگی برای حشش ماریکسیستی لنینیستی ایران و بیرونا را یا سبب ما بشمارنیا بدورد اس مئی نمی توانست شکوفائی هر چه بیشتر حشش کمونیستی ایران را موجب شود.

حال آنکه در همان زمان آن دسته از روشنگران چپ خرده سوزواری که نتوانسته بودند به مریضی سکلیانی با مئی جریکی برسند، در سرتحولات طبقاتی و تشدید مبارزه طبقاتی با خط کنی رویزیونیستی خود به قیام سوزواری سستگیری کرده و پس از یک روند کوتاه به حشش رویزیونیستها در غلتیدند.

"گروه منشعب از سازمان جریکهای فدائی خلق" که در آن ۵۶ از اس زمان جریکهای فدائی خلق جدا شد، نمونه برجسته اس انحطاط بود. اس "گروه" در زمانی که نتایج مئی جریکی به اوج خود رسیده بود و اس زمان جریکهای فدائی نتوانسته بود به نقبذ انقلابی آن بپردازد به ترک مواضع انقلابی دست زده و به رویزیونیستی حزب توده پیوست. اس "گروه" بدینا ل رد ایورونیستی و با سفسی مئی جریکی به نفی شرایط عینی انقلاب و تدارک همه جانبه انقلاب توده ها جهت سرتکونی و اس بودی قهر میز رژیم سرمایه داری وابسته ایران و سوزواری که مبرادورونیز در هم شکست قهری مائین دولتی حاکم رسیده، اس گروه همانند حزب توده در عین حال که با مئی جریکی "مرز بندی نمود بطور عموم به رد قهر انقلابی رسیده و در عین حال که از انقلاب بطور کلی صحبت می نمود، از تدارک انقلاب و تربیت و پرورش طبقتا کارگرو توده ها به حول ایده انقلاب اجتماعی طفره رفته و بر آن خط بطلان





می کشید. این گروه می گفت:

"انقلاب به معنای سیاسی آن عبارتست از انتقال قدرت حاکم از دست طبقه میزبند به دست طبقه بالنده". (ا علامیه توضیحی مواضع ایدئولوژیک، آبان ۵۶ - تا کیدازماست).  
این گروه به سبب همه بورژوازیستها و ریزبویستها نسبتاً تنها صحبت از "انتقال قدرت" کرده و در هم شکستن قهری ماشین دولتی و انجام انقلاب قهرآمیز را آگاهانه نمی می کرد، بلکه بلافاصله اما فیه می نمود که همان "انقلاب" از طریق انتقال قدرت در دست مبارزه نیست، بلکه ابتدا باید "دیکتاتوری فاشیستی" رژیم بنا هوا "سنگون" کرد و برای این منظور باید با سختی از "بورژوازی بزرگ" و کمپرادور حاکم در چهار رجب "جبهه واحد ضد دیکتاتور" و وحدت نمود. (همانجا).

این گروه از رده می جریکی به دردها انقلابی و انقلاب ویدیرش می ریزبویست می سازش طبقاتی و کرتش در برابر بورژوازی می رسد.

## سازمان جریکهای فدائی

### از چه موضع می جریکی رانفی میکند؟

بسیار از این اشتعاب، سازمان جریکهای فدائی از آنجا که می جریکی را مورد انتقاد انقلابی قرار نداد و کوشید تا این زخم کهنه را در لایه های ضخیمتری از افکار جریکین ریزبویست می سیواند، بنا بر این نمی توانست در مقطع دیکتاتور برآمدند و بدینجهان سازمانی مواجه باشد. برخورد بورژوازیست می جهت نفسی و بیواندن نتایج فزاینده راه علاج چنان نبود. چنین برخوردی اگر چه ممکن است انفعال چرخان را کمی به تعویق باندازد، ولی در مقطعی بعداً بعداً انفعال را دوچندان خواهد کرد. بدین ترتیب از آنجا که سازمان جریکهای فدائی نمی تواند بطور ریشهای به منشی جریکی برخورد کرده و آنرا مورد نفی پرولتاری قرار دهد، موضع انحرافی گذشته در رده می جریکی نمیتوانست دوباره ظهور کند. در بستری از بورژوازیست، برده - بوشی نتایج، و آلودگیهای ریزبویست، مرز بندی ریزبویست می با می جریکی امری اجتناب ناپذیر بود. در مینتی از تحول انقلابی جامعه، در هنگامیکه مبارزه پرولتاریا را و توده های رنجمنگس اوج می گرفت، در زمانی که می جریکی زیر ضربات جنبش توده ای و شکوفائی مارکسیسم لنینیسم در هم می شکست و نتوانی ماهوی آن در بسج و سازماندهی و هدایت توده ها پیش از هر زمان دیگر آشکار می شد، سازمان جریکهای فدائی به شیوه ای پراگماتیستی و در عین حال اپور - تونیستی در پی فراموش کردن می جریکی برآمد.

سازمان جریکهای فدائی آهسته آهسته و بیطصور اپورتونیستی به فکر کنار گذاشتن می جریکی افتاد. این سازمان که در فقدان مباحث کمونیستی و متسد انقلابی کار نموده بود، از اواسط سال ۱۳۵۸ منشی آوانتونیستی حاکم را بکار گذاشته و در نتیجه همان سال طی یک اعلامیه تلویحاً به "پارهای از اشتباهات خویش" اعتراف کرده و "منشی سیاسی - تشکیلاتی" را بعنوان منشی رسمی خود مورد قبول قرار میدهد. لیکن از آنجا که این کنار گذاشتن در بستری از مبارزه ایدئولوژیک فعال و آموزش مارکسیستی لنینیستی نبود، و بنا بر این امکان زدودن تمام آثار و عوارض آن نمی توانست وجود داشته باشد، بدین لحاظ این

آثار و عوارض در تمام سازمان به بقای خود ادامه داده و علاوه بر این ریزبویست می که در بطن سازمان موجود بود، اینک امکان رشد بیشتری می یافت. کنار گذاشتن می جریکی از آنجا که با نقد کمونیستی همراه نبود و لئونیستی انقلابی را مطرح نمی کرد اینست که زمینه "پیشروی نظرات ریزبویست می را فراهم می نمود. در چنین هنگامیکه می جریکی کنار گذاشته شده بود دیگر نتوانست سازمانی را بسازد که می جریکی، بلکه کرایش ریزبویست می را استوارانه حاکم بود. منشی جریکی اگر چه بشکل فرم منشی و پراگماتیستی کنار گذاشته شده بود، لیکن دیگر وجه غالب انحراف سازمان را تشکیل نمی داد، بلکه این وجه غالب عبارت بود از منشی را استوارانه و بزرگی ریزبویست می که به نسبت سیاست ها و ایدئولوژی سازمان در تمام عرصه های فعالیت عمل می کرد.

کرایش ریزبویست می که چه دارای اسجام کافی

مقابل رده می جریکی یک آلترنا شولنیستی - ریزبویست می قرار می دهد و سمت گیری طبقاتی خود را مشخص می گرداند. در واقع جریان اپورتونیستی حاکم با منشی می خرده بورژوازی جریکی به سبب بدیرش می ریزبویست می - بورژوازی میل می کند و طی یک روند، در بستری از تحولات طبقاتی سیاسی، سنگینی خویش را به جانب بورژوازی ادامه داده و بالاخره به جبهه ریزبویستها و بورژوازی در می غلطد.

آنچه که سازمان جریکهای فدائی در پیش میگرد نشان بکوزا و به نگرش این سازمان در رده می جریکی است. واقعیت نشان می دهد که جریان حاکم از موضع ریزبویست می به نفی می جریکی پرداخته و سپس آلترنا تیوی که ارائه می دهد جز یک آلترنا تیوی ریزبویست می چیز دیگری نیست. در حقیقت ایان جوهر همان خطی را در سیاست خود وارد می کند که حزب توده و این کارگزار سوسیال امپریالیسم تبلیغ کرده بود و گروه منشعب "آبراد نمان" نموده بود.

آنچه که سازمان جریکهای فدائی در پیش میگیرد نشان بکوزا و به نگرش این سازمان در رده می جریکی است. واقعیت نشان می دهد که جریان حاکم از موضع ریزبویست می به نفی می جریکی پرداخته و سپس آلترنا تیوی که ارائه می دهد جز یک آلترنا تیوی ریزبویست می چیز دیگری نیست. در حقیقت ایان جوهر همان خطی را در سیاست خود وارد می کند که حزب توده و این کارگزار سوسیال امپریالیسم تبلیغ کرده بود و گروه منشعب "آبراد نمان" نموده بود.

در مقاله "اکثریت و مسئله اقلیت" (کار - ۶۱) بکار برد بگرمز بندی ریزبویست می جریان ریزبویست می اکثریت مشخص می شود. این جریان اگر چه رده می جریکی را از جانب خود "شکوفائی مبارزه طبقاتی - پرولتاریا" روجه ایدئولوژیک آن قلمداد میکند، ولی حقیقت اینست که هر نفی ای، نفی پرولتاری نیست. می توان می جریکی را از زاویه خرده بورژوازی و امپریالیسم ریزبویست می مورد نفی قرار داد.

این کارگزار سوسیال امپریالیسم، تبلیغ کرده بود و "گروه منشعب" آنرا دنبال نموده بود. زمانی که این جریان، منشی جریکی را کنار گذاشت، "سازمان سترژیک حاکمیت خلق" را مطرح کرد و مطرح ساخت که نتایج جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر نتایج رده می جریکی و جنبش روانه بوده زیرا این شعار:

"در مرحله کنونی تنها به تنه دستهای حیران - های غیر پرولتاری می جنبش کارگری منحرف خواهد شد". (ما زهموظا فداسی - آذر ۵۷)  
سیاست جدید در معنای کرتش در مقابل بورژوازی و نفی رهبری پرولتاریا برانقلاب چیز دیگری نمی توانست باشد و سپس ما نا امید بودیم که سازمان جریکهای فدائی ملهم از کرایش ریزبویست می ملط به حمایت آشکار از دولت ارتجاعی بازرگان سومی خیزد و جریان حاکم ناخوشی می رده می جریکی و سربا به داری و اسبه و سرب انقلاب قهرآمیز رانفی می نماید (۲)، ناخوشی پس می رود که ملط طبقاتی تحت حاکمیت بورژوازی را سوبدمی دهد و در زمانه با سربان مرشح رژیم و آسهم فرد مغفوری چون سبشتی مطرح می سازد که در صورت تحقق سازش حاضر است در مقابل نیروهای انقلابی در کنار بورژوازی نایستند، حاضر است در برابر "کموندارها" و "رتاشیها" دست اتحاد دهد. (۳)



(۲) - رجوع شود به ضمیمه بیکار ۴۷، تحت عنوان "تنها کمترین ریزبویست علیه مارکسیسم لنینیسم".  
(۳) - رجوع شود به مذاکرات دوست از رهبران جریان ریزبویست می (فرض نگاه دارم منشی) با سبشتی.

نمود و نیز مواجها با مقاومت کرایش انقلابی درون سازمان بود، ولی حرکت اساسی حاکم بر سازمان را متاثر کرده و خود را در منشی مواضع سیاسی راجع به اساسی ترین مسائل ملی و بین المللی منسولومی - ساخت. بدین لحاظ انحراف اصلی که سازمان را در خود میقتصد، از این پس همان انحراف ریزبویست می بود که در موضع ملط قرار گرفته بود.

در چنین مقطعی است که منشی امپریالیسم رانفی جریان حاکم بر سازمان جای خود را به منشی امپریالیسم ریزبویست می حاکم می دهد. خط انحراف مواجها با مقاومت کرایش انقلابی (هر چند بدون انجام مودارای النقاظ) بود و بدین لحاظ نمی توانست تنها بکنار میدان سیاست بماند، ولی در یک برآیند عمومی و حرکت کلی این خط اعمال هژمونی می نمود.

در چنین مقطعی منشی امپریالیسم رانفی که ابتدا در شعار "سرب علیه دیکتاتور" تا "انعکاس می یافت، در شعار "حاکمیت خلق" خود را ادامه می بخشد و این شعار دقیقاً با منشی هژمونی طبقه کارگر برانقلاب عین بود. جوهر امپریالیسم این می خود را در عدم اعتقاد به پرولتاریا و تنزل در برابر بورژوازی امپریالیسم منسک می ساخت. علاوه بر جریان غلبه ریزبویست - سونسم بر منشی مواضع سازمان منشی ایدئولوژیک سونسمی سازمان به منشی ایدئولوژیک ریزبویست - منشی تبدیل می نمود. جریان حاکم پیش از این در جهت تحکیم این منشی ایدئولوژیک می کوشید و بنحوی که مرز - بندی مقدماتی سازمان با ریزبویست می خروتنجفی آهسته آهسته کم رنگ شده و بیکار میبرود، حمایت از شوروی "سوسیالیستی" طرح می شود و حمله مستقیم آشکاره نیز به اصطلاح ارتجاعی سوسیال امپریالیسم آغاز می گردد. بدین ترتیب متوجه می شویم که جریان حاکم در



در مقاله "اکثریت مسئله اقلیت" (کا ر ۶۱) یکبار دیگر مرزبندی رویزیونیستی جریان رویزیونیستی اکثریت مشخص می شود. این جریان اگرچه در مشی چریکی را از جانب خود "شکوفائی مبارزه طبقاتی" پیرونتاریا در وجه ایدئولوژیک آن قلمداد می کند ، ولی حقیقت این است که هر نفی ای، نفی پرولتاری نمی باشد. می توان مشی چریکی را از زاویه ای خرده-بورژوازی ویا لیبرال - رویزیونیستی مورد نفی قرار داد. بیرواض است که نفی لیبرال - رویزیونیستی مشی چریکی نه بیغ پیرونتاریا ، بلکه دقیقاً بمعنای سنگیری مشخص به جانب بورژوازی میباشد .

در این مقاله که محور اساسی آن در انتقاد به مشی چریکی است جریان رویزیونیستی به مثال نفی مشی انقلابی (ولی خرده بورژوازی) چریکی قادر نیست تا آلترا نیوا انقلابی پرولتاری را نهادهد. این جریان از نفی مشی چریکی به نفی فیرا انقلابی می رسد. به این معنا که بی از خط کشی کردن با می آنتوریونیستی چریکی با مبارزه مسلحانه جدا از توده مطرح مبارزه مسلحانه توده ای و استنباط توده ای از قهر نمی - بردارد. این جریان رویزیونیستی مشی چریکی را نادرست ارزیابی می کند. ولی نمی گوید که آلترا - نیوا تودریا برینا مبارزه مسلحانه جدا از توده چیست ؟ او از طرح انقلاب توده ای فیرا میزد راه استفسار جمهوری دموکراتیک خلق برهبری پیرونتاریا ظفره رفته و آلترا آگاهانه به طاق نیسان می گوید .

### جرا سازمان چریکهای فدائی

#### نمی تواند با حزب توده مرزبندی کند؟

مرزبندی رویزیونیستی جریان رویزیونیستی اکثریت با مشی چریکی هنگامی با رزتری می گردد که ما متوجه می شویم که این جریان نمی تواند دنیا دیدگاه و درک حزب توده رویزیونیست در این مورد مرزبندی کند. ابتدا تم که حزب توده بر اساس مشی رویزیونیستی خود با ما مخالف اعمال فیرتوده ای و انجام انقلاب می باشد. زمانیکه حزب توده علیه مشی چریکی و انقلاب - بیون چریک هرزه درائی می کرد ، عدیت خود با فیر انقلابی علیه ارتجاع را بنمایش می گذاشت. البته حزب توده مخالف مدخله و کودتای نظامی اریاییان روسی خود نمی باشد ، او مخالف کودتای نظامی و اقدامات مسلحانه وایستگان ویا طرفداران سوسیال امپریالیسم نمی باشد ، او مخالف سرخخت فیرا انقلابی و انقلاب مردمی می باشد. و مخالفت او با مبارزه چریکی از همین موضع ارتجاعی بود. حزب توده بر اساس مشی رویزیونیستی و تسلیم طلبانه خود با فیرا انقلابی هفتنه در مشی چریکی عدیت می ورزید .

با توجه به این مسئله جریان رویزیونیستی اکثریت قادر نیست به مرزبندی با حزب توده بپردازد. زیرا خود از موضعی رویزیونیستی به در مشی چریکی می پردازد. در برخورد به رفقای اقلیت جریان رویزیونیستی اکثریت می نویسد :

"سخن سازمان همواره آن بوده است که ما زمانیکه یک رشته تئوری های عام و جهان شمول مار - کمیت لینینیستی مورد قبول ما نباشد ، بحث بر سر خط ویرنا مه ، تحلیل حاکمیت ، تحلیل - موقعیت و وظایف ما هرگز به نتیجه واحد نخواهد رسید ... همه تگونه که اشتباه بزرگی خواهند بود هرگاه تصور کنیم که ما از طریق تحلیل های

متفاوتی که از مسائل عملی کنونی ( منظور خط ویرنا مه ، تحلیل حاکمیت و ... میباشد - پیکار) با "حزب توده" داریم ، مرزبندی خود را با این جریان مشخص می کنیم. درک متفاوتی که ما از ظرفیت انقلابی و ضد انقلابی طبقات اجتماعی و وظایف اساسی مارکسیست - لنینیست ها در مبارزه طبقاتی داریم ، درک متفاوتی که ما با "حزب توده" از انتزاع سبوتا لیم پرولتاری داریم ، ما را بر آن می دارد که از قبل بنوا نسیم مشخص کنیم که مثلا اپورتونیسم راست حاکم بر "حزب توده" چه تحلیلی از موقعیت مشخص امروز ارائه داده و چه وظایفی را برای کمونیستها در شرایط کنونی توصیه ونا کد می کند ."

(اکثریت مسئله اقلیت ، ضمیمه کا ر شماره ۶۱)  
این مقاله اولین مقاله ای است که در آن جریان اکثریت بطرز آشکار به نفی مشی چریکی پرداخته و به حول همین مسئله به مرزبندی با دیدگاه و چپ روانه می بردارد. طبیعاً این مرزبندی با دیدگاه و چپ روانه از موضعی راست روانه صورت می گیرد و علاوه بر این - جریان رویزیونیستی نمی تواند دنیا انحراف راست - روانه و رویزیونیستی در برخورد به مشی چریکی مرز - بندی کند. او نمی تواند با این انحراف مرزبندی کند زیرا خود با این دیدگاه انحرافی مرزبندی ندارد .

این مسئله را بیشتر توضیح می دهیم :  
ما از نتایج آلترا نکا رجحانات بالا در می گذریم . ولی مسئله اساسی استنتاج که جریان اکثریت نمی - سواند با حزب توده بر روی مشی چریکی خط کشی کند . او از "اپورتونیسم راست" صحبت می کند ولی اولاً این "اپورتونیسم" را در رابطه با دیدگاه حزب توده درباره ظرفیت انقلابی و ضد انقلابی طبقات ، و وظایف مارکسیستها و انتزاع سبوتا لیم پرولتاری ارزیابی می کند و نه در رابطه با مشی چریکی و نا نیا - اطلاق "اپورتونیسم راست" به حزب توده از جانب جریان اکثریت یک شمار نوالی است . چرا ؟ زیرا که در تمام موارد فوق بنس نظرات حزب توده و جریان رویزیونیستی اکثریت

اساساً یک همخوانی و هموائی وجود دارد. ما سئوال می کنیم ، چه تفاوت اساسی بین این دونظرگاه را جمع به ظرفیت انقلابی و ضد انقلابی طبقات وجود دارد ؟ مگر نه اینکه بورژوازی و دولت حاکم مورد پشتیبانی ونا نشید هر دونظرگاه است . و هیئت حاکمه دولت آن ضد امپریالیست قلمداد می گردند ؟ ما سئوال می کنیم ، مگر نه اینکه وظایف کمونیستها از دیدگاه هر دو جریان حمایت از دولت ارتجاعی حاکم ، نفی مبارزه طبقاتی و انقلاب و کوشش در به انقیاد کشیدن طبقه کارگر در چهار چوب نظام حاکم است ؟ ما سئوال می کنیم ، مگر نه اینکه انتزاع سبوتا لیم پرولتاری از دیدگاه هر دو جریان مترادف با حمایت از سوسیال امپریالیسم شوروی و طرح "اردوگاه سوسیالیستی" می باشد ؟ (البته با این تفاوت که حزب توده کارگر سوسیال امپریا - لیسم است و کاملاً و بطور همه جا بنده در گداید اپورتونیو - نسیم عوطه و راست است .)

بدین ترتیب می بینیم مضمونی که از "اپورتو - نسیم راست" حزب توده از جانب جریان رویزیونیستی اکثریت استنباط میشود ، همان مضمونی است که در مورد خود این جریان نیز قابل تعمیم می باشد. برای این اساس روشن می شود که اگر جریان رویزیونیستی اکثریت با حزب توده خاش نمی تواند در رابطه با مشی چریکی مرزبندی نماید ، بدین دلیل روشن است که در میان ایدئولوژیک خود با فیرتوده مرزبندی با حزب توده نمی باشد . بمعنای دیگر اینکه از آنجا که این - جریان خود رویزیونیست می باشد ، بنا بر مرام و اعتقاد در اساسی ترین مسائل جنبش طبقه و توده ها ، انقلاب و ضد انقلاب و مسائل جنبش کمونیستی بین المللی و ایران با مواضع حزب توده انطاق می نماید . بدین لحاظ انطاق دیدگاه جریان رویزیونیستی اکثریت درباره مشی چریکی با دیدگاه حزب توده در همین زمینه امری اجتناب ناپذیری می گردد . یعنی هر دو جریان در یک نقطه یکدیگر را لانی می کنند . این نقطه همان رویزیونیسم است .

## "پاکسازی" در ارتش یعنی چه؟

سستم حاکمی و خرجینی بر علیه مخالفین و تضعیف و اعمال فشار علیه آنها اکنون به امری رایج و روزمره در میان اربکتهای دولتی بدل گشته است . این امر در ارتش و دیگر نیروهای نظامی با شدت هر چه بیشتری دنبال میشود . همانطور که در سربازان ملاحظه می کنید ، رکن ۲ (ضد اطلاعات ارتش) و رکن ۳ مرکز آموزش ، خطاب سبک افشارتی از او خواسته اند که با ملاحظه کنانی که "در خط انقلاب نیستند" معرفی نمایند. بدین معنی است انتظار اینان "در خط انقلاب" بودن یعنی همچون کوفندی سربزیر ویا برآه زبستن ، فرامین فرماندهان ارتشی را یک سبک و بدون کم و کاست اجرا کردن بدون هیچگونه اعتراضی در خدمت کنسار و سرکوب خلق گردید و ارتش را در فرهنگ انسان انقلابی کنی است که با میل و رغبت شریک جناسات رژیم باشد و هیچگونه عمل مخالفی علیه نظام حاکم از او سرزند. منظور آنها از کسانی که "در خط انقلاب" نیستند وایستگان به رژیم است. چون هنوز فرماندهان میزدور گذشته سبک کار بند ، منظور آنها پرسنل انقلابی درون ارتش است نه چیز دیگر. سند مقابل نمونه کوچکی است از اینگونه توطئه های رژیم حاکم علیه پرسنل انقلابی ارتش .



# جنگ قدرت در "بالا" ماهیت آن و وظایف نیروهای انقلابی (۳)

مادرشماهای گذشته در شرایطی که شماها در آن هستید قرار گرفته‌اید و درون هیئت حاکمه و ما هیئت آن توضیحاتی داده و کوشیدیم تا علت بحران در "بالا" را بشناسیم. در اینجا در پی آن هستیم تا وظایف نیروهای آگاه را در چنین شرایطی مختصراً شرح نمایم:

## وظایف نیروهای آگاه

امروز جامعه ما در شرایط اعتلا قرار داشته و بحران اجتماعی اقتصادی موجود مبارزه طبقاتی را با زهم یکشافتن و توسعه خواهد داد. طبقه کارگر و سراسر توده‌ها که بر سر فرمان رسیده‌اند، مستحقان هیئت حاکمه و امپریالیست‌ها قرار دارند، بیش از هر زمان دیگر استعداد تکراری جهت توسعه مبارزه را خود نشان می‌دهند. توده‌های خلق با انگار به تحریر و ست مبارزاتی خود، سخت تا سرعادت آگاهان هرگز به نیروهای کمونیست و انقلابی و مائوئیست‌گرا ریسگری مبارزه خلق قهرمان کردستان و... بیش از پیش در می‌یابند که حکومت جمهوری اسلامی ما هنوز توان از بر آوردن خواست‌های حق طلبانه آن است. توده‌های مردم می‌بینند که بیگاری، تورم و کوری، فقر و فلاکت و ستمگری‌های سیاسی و سرکوب آزادی‌های دموکراتیک به آنها از پیش ترفتمند، بلکه همچنان ادامه پیدا می‌کند و سراسر شرایط دشواری برای زندگی آنان بار می‌آورد. آنان می‌بینند آنچه که رژیم اسلامی می‌گوید جز عوام مغربسی و فریبکاری جبریدگی نیست و "عدل اسلامی" این رژیم حوظ و ستم برای زحمتکاران معنی دیگری ندارد. آنان می‌بینند که سران رژیم جمهوری اسلامی برای داشتن سهم بیشتری از قدرت سیاسی امروز بخان بگردد افتاده. "اخبار اسلامی"؟! خود را فراموش کرده و بیش از هر زمان دیگر ما هیئت ضد مردمی، دغلیک را به و رسوای خویش را بنمایش گذاشته‌اند.

در این اوضاع، توهم و باورهای انحرافی مردم زحمتکش نسبت به این حکومت به سرعت درهم می‌شکند و آنان اعتماد خود را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی بیش از پیش از دست می‌دهند. امروز در شرایطی که شما در آن هستید هیئت حاکمه شدید بنده و هر چه بیشتر توطئه‌ها و دسائش "بالا" را بیرون می‌کشند، توده‌های مردم بطور روزافزون درک می‌کنند که "رژیم عدل اسلامی" رژیم توطئه‌گر و مردم فریب است. رژیم است که به در جهت منافع خلق، بلکه دوست امپریالیست و سرچشمه منافع خلق و انقلاب عمل می‌کند و برعکس توده‌ها هر چه بیشتر درک می‌کنند که نیروهای انقلابی و کمونیست تنها مدافعان راستین انقلاب می‌باشند.

بدین ترتیب امروز در شرایطی که زمینه گسترش مبارزات توده‌های آگاه و زمینه نگه داشتن توهم توده‌های زحمتکش بیش از هر زمان دیگر فراهم آمده است، امروز در شرایطی که نیروهای ارتجاعی پیشین که از قدرت فرو افتاده اند و میکوشند تا توده‌های جدا شده از رژیم‌ها کاملاً با ستم خود می‌توانند سازند، نیرو - هائی که با کمک مستقیم امپریالیست‌ها و امکانات گسترده از قبیل رادیوهای امپریالیستی مذبح‌ها به می‌کوشند تا طلب اعتماد توده‌ها از رژیم جمهوری اسلامی را به اعتنا نسبت به منافع‌های گنبدیده و ننگرانی چون بحران رونق و... بدل نمایند.

امروز در شرایطی که نیروی مانده بخش اکثریت سازمان چریک‌های فدائی به حیطه ریزونیست‌ها پیوسته و رابطه خود را با جهان بینی علمی طبقه کارگر بکلی قطع کرده است و به بورژوازی خدمت می‌کند و نیز نیروی مانده سازمان مجاهدین بر اساس نا بیگبیری

خود به سازش با جناحی از هیئت حاکمه روی آورده است و بر این سیاست سازشکارانه با فشار می‌کند و بی - اعتنا به مصالح انقلاب به امتیازات حزبی از بورژوازی دلخوش کرده است.

امروز در شرایطی که نیروهای کمونیست و انقلابی منکی بر دموکراسی میسر از فوگ کسرتدهای در میان طبقه کارگر و سراسر توده‌ها سرچوردند، رسیدند.

آری در چنین شرایطی بیش از هر زمان دیگر وظایف خطر و سنگینی بر دوش کمونیست‌ها و دیگر

باید هر دو را خفه کرد.

انقلابیون باید بکوشند تا به منافع‌های هیئت حاکمه در این بر سر دست و جناحی از آرایش از پیش تضعیف نمایند. انقلابیون سیاست توسعه بخشیدن به مبارزه طبقاتی را هیچگاه نباید فراموش کنند و برای این منظور تا کشیک انقلابی در این زمین به منافع‌های "بالا" را با بدمنظر قرار داد، در این زمین به منافع‌های هیئت حاکمه در خدمت مبارزه طبقاتی است حال آنکه سازش با سختی از هیئت حاکمه در نهاد منافع انقلاب می -

● امروز اوضاعی است که بخصوص جناح لیبرال‌ها مورد حمایت امپریالیست‌ها و مرحله امپریالیسم آمریکا می‌باشند. کنگرایی بر سر جانیات شاه که به ابتکار جناح بنی ضد سرکوار شد مورد حمایت مستقیم بخشی از امپریالیسم آمریکا و حداقل بخشی از امپریالیست‌های اروپایی بود این امر نمونه کوچک ولی بارز از ماهیت ارتجاعی ماند بنی ضد راینماش می‌گذارد. حال آیا انقلابیون باید لیبرال نمائی بنی ضد را به پای "دموکرات" بودن او بگذارند و بیا به عوام مغربسی این بخش از بورژوازی؟

انقلابیون فراموش نکنند. این وظایف خطرناک است از توسعه مبارزه طبقاتی توده‌ها و تدارک همه جا به انقلاب.

## سازش طبقاتی

### یا ادامه مبارزه طبقاتی؟

رویزونیست‌های حزب توده، سنجایی و بخش اکثریت سازمان چریک‌های فدائی مطرح می‌کنند که رژیم کمونیستی "مدا میریالیست" می‌باشد و بنا بر این سیاست را با سازش با آن دفاع کرد. انسان به مبارزه طبقاتی و ملی توده‌ها فرمان است داده و مذبح‌ها به میکوشند تا از وقوع انقلاب جلوگیری کنند. این سیاست ریزونیست - نیستی کاملاً در خدمت بورژوازی توده و علیه بیرونی - ریا توده‌های استمدادی می‌باشد. کاملاً برخلاف ریزونیست‌ها، کمونیست‌های راستین با توده مبارزه توده‌ها کمک رسانند تا آن‌ها را از مبارزه انقلاب کشته شود. از نظر کمونیست‌ها رژیم حاکم هیچ‌گونه ضد امپریالیست نبوده و تنها سیاست بیگبیری در مقابل رژیم حاکم ادامه و تشدید مبارزه طبقاتی و ملی است.

سازمان مجاهدین خلق مطرح می‌کنند که ما باید از جناحی از بورژوازی یعنی جناح بنی مدر در مقابل حزب جمهوری اسلامی حمایت نمود. رهبری این سازمان بر اساس این سیاست کاملاً سازشکارانه و لیبرالیستی مبارزه علیه "لیبرال‌های مرتجع" را متوقف ساخته و عملاً به با توهم توده‌های افزایش، بنظر ما تفادها می‌باشد که ما بین این دو جناح وجود دارد، همان نظریه گفتیم فاقدما هیئت مترقیانه نبوده و این نهادها بر ما سعی ارتجاعی قرار دارد. این دو جناح نیز به مورفیکت تولیدی و متغیوت خود و سیاست‌های گوناگون خود را بگبیری اختلاف دارند، لیکن این اختلاف بر سر مبارزه با عدم مبارزه علیه امپریالیسم نیست، بر سر حمایت با عدم حمایت از خلق نیست. این اختلاف بر سر چگونگی اداره نظام سرمایه‌داری و بسته چگونگی سرکوب انقلاب توده‌ها می‌باشد. این دو جناح هر دو دشمن انقلاب مردم‌اند. در دعوی بین دزدها جانب هیچک را نباید گرفت.

باید. نهادهای درون هیئت حاکمه یک واقعیت است. لیکن انقلابیون به هیچ‌وجه نمی‌توانند به این نهادها و با سختی از هیئت حاکمه ارتجاعی بکنند و عملاً منافع انقلاب را کدمال کنند. انقلابیون سبکسرانند و توده‌ها و وسیله اره به طبقه کارگر بکنند. آنان با توده‌ها مبارزه طبقاتی در جامعه توسعه روز - افزون آن انگار نمایند. انقلابیون بکسرانند. دیدن به مبارزه سرکوب توده‌ها ارتجاع را نسبت بملای و با بودی قطعی سبب دهد.

رهبری سازمان مجاهدین صورتی کند که منواید از کمال همین دستگاه حاکمه در قدرت سهم کرد و توان قدرت را قبضه کند و سپس خاطر سانسات با روش طبقاتی با سختی از بورژوازی یعنی جناح ارتجاعی بنی ضد را سرکوبده است و تا کما به میکوشند تا جیره رسوای این جناح در بر توده‌ها افشا کرد. این رهبری عملاً می‌کوشد که نیروی انقلابی توده‌های سازمانی و هواداران مورد استفاده سختی از بورژوازی قرار گیرد.

رهبری مجاهدین صورتی کند منواید ارتجاعی سبغ خود و ارتقای خود در هر دولتی استفاده کند. حال آنکه واقعیت جبریدگی است. واقعیت است که سختی از بورژوازی در دعوی خود علیه جناح دیگر از هیئت حاکمه میکوشند تا نیروهای نا بیگبیر استفاده کرده و موقعیت خویش را در هر قدر سیاسی تحکیم نماید.

جناح بنی مدر عوام مغرب میکوشند تا انعقد شده‌ای سازمان مجاهدین در مقابل ما حریف و برای بقوت خود استفاده نماید. جناح بنی مدر با کمک هائیی ایجا و آنجا و با دادن امتیازات نا جزو بارواضع وعده امتیازات رهبری سازمان مجاهدین را بدست خود کشند و در مقابل حریف یعنی حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی نمایش قدرت دهد. و رهبری سازمان مجاهدین دقیقاً در خدمت حسن سیاسی حرکت می‌کند. منی حاکم بر ما هدین عملاً به مورفیکت سختی از بورژوازی ارتجاعی ایجا شده است. ولی فراموش نکنیم ما می‌توانیم که این سختی از بورژوازی (و سایر بخش دیگر) بسواد



گزارشی از مبارزات خونین صیادان زحمتکش «نوشهر»

صیادان زحمتکش می رزمند، ارتجاع می لرزد



۱۵۰۰ نفر از مردم زحمتکش دربیدادگاه رژیم حضور داشته و زندانیان را مورد تشویق و حمایت خود قرار دادند. ارتجاع از این پشتیبانی مردم از انقلابیون بختن آمده و با ایجاد محدودیت‌هایی از ورود مردم به جلسه محاکمه جلوگیری نمود، تا آنجا که در روز دوم، حدود ۴۰۰ نفر در جلسه شرکت داشتند. بنا به همین خیر احتمال اعدام چند تن از زندانیان انقلابی، نیز وجود دارد اما تا کنون از نتیجه قطعی محاکمات اطلاعی در دست نیست.

بیروزیاد مبارزات زحمتکشان ایران

ما همگیان از جمله محرومترین زحمتکشان میهن ما هستیم. این فترت زحمتکش برای بدست آوردن لقمه نانی، خطر مرگبار طوفان و سیل راجحان خریسده و با عنایت بر سر توها و قلابهای ما همگیری، چشمه درسا می دوزند. با این امید که شبانگه با دستی پر، پیش رن و بچه‌های گرسنه خود با زگردند. دریا، تنها ممر در آمد صیادان زحمتکش است و ما همگیری در آن حق مسلم آنهاست.

رژیم جمهوری اسلامی از آغاز حاکمیت خود، با رها و بارها، زحمتکشان ما همگیری را مورد حمله قرار داده است و کشتار صیادان زحمتکش بندر زلی، نمونه برجسته این سیاست سرکوبگرانه رژیم بود. اخیراً صیادان زحمتکش نوشهر نیز، به بهانه «صد بدون محور» مورد هجوم وحشیانه صیادان فرار گرفتند و با اینکار، رژیم جمهوری اسلامی، خاطر کشتار صیادان بندر زلی را برای جندمین با ریکرا کرد. گزارش زیر، حیران مبارزات صیادان زحمتکش نوشهر است:

عصر روز شنبه ۵۹/۳/۱۷ حدود ۱۵۰۰ نفر از ما همگیریان «نوشهر» تنگنا صدمه‌های مورد هجوم صیادان سرمایه فرار گرفتند. در اثر تیراندازی شدید صیادان، یکی از صیادان زحمتکش از ناحیه دست و یک موردا ما بست کلوله فرار گرفت، که بعلت وخامت حال وی، او را از نوشهر به تهران انتقال دادند. بدسیال این سورش و حشیانه، ما همگیریان با دلی ما مال از انفرت به شهر ریحانه و به شدیدترین وجهی دست به تظا هرات زدند. آنها در حالیکه از بد ختم بر افروخته بودند به ساختمان فرمانداری حمله کرده و تا بلو فرما ننداری و سینه‌های ساختمان را شکستند. ما همگیریان زحمتکش با دادن شعارهایی از قبیل «با سدار مدخلقی اعدام باید کرد»، «الله اکبر»، «زحمتکشان بدانید صیاد ما تهدیدت» و «زحمتکش بیروز است، سرمایه دار تا بود است»، نفرت عمیق خود را از رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبگرش ابراز می نمودند. در حین تظاهرات، آنها چند بار در مسجد جمع شده و از اما مجموعه شهر خواستند که فوراً عاملین این هجوم و تیراندازی و حشیانه را معرفی و در دستگیری این جنایتکاران اقدام نماید. اما، او با انواع حمله و وعده‌های در تفرقه اندازی بین صیادان زحمتکش دست ولی نماند صیادان منحده، با دادن شعار «تفرقه و جدائی سلاح با صیادان است» توسطه‌های تفرقه افکنانه ما مجموعه را خنثی نمودند. شهردار نوشهر نیز بیکیا رنشته و با سو استفاده از آشنائی با چند تن از صیادان، سنجوی میخواست آتش خشم ما همگیریان را فرو نشانند، اما هوشیاری آنها، نقشه‌های شهردار را نیز بی اثر کرد.

ساعت ۱۲ شب تن از صیادان داخل مسجد فرته و از طریق بلندگو از مردم خواستند که برای اعتراض به جنایت با صیادان و برای حمایت از خواستهای بحی صیادان زحمتکش به آنها ملحق شوند. این تظا هرات تا ساعت ۱/۵ با مدا بطول انجا میدوید و با لخره با ایجاد دعوائی مصنوعی از طرف عوامل سیا با صیادان که بین تظا هر کنندگان رخنه کرده بودند، پایان یافت. روز یکشنبه ۵۹/۳/۱۸، عاملین حوادث شب گذشته، برای توجیه جنایت خود با این بهانه که صد انقلابیون!! به ما مجموعه توهین کرده‌اند، از مردم خواستند که مغازه‌های خود را بسته و در مسجد گرد آیند.

همه بنا نه با پیگیری یک مشی و سیاست است، نشانه تزلزل طبقاتی یک نیرو می باشد. و با بدگفت ایمن مسائل نشانه واقعیت مشی حاکم بر زمان مجا هدین خلق است.

کمونیستها و انقلابیون پیگیر به توهن توده‌ها دامن نمی زنند و توده‌هایی را که در حال کنده شدن از رژیم حاکمی با سند را از جناحی دور و به جناح دیگر متمایل نمی سازند، آنان طبقه کارگر و سرتوده‌ها را از کل رژیم طبقاتی موجود دور می کنند، آنان می گوشت تا تمام رسته‌هایی که افکار توده‌ها را با بخش‌های مختلف هیئت حاکمه پیوند می دهد، بطور قاطع قطع نمایند. کمونیستها با بدچهره، فریبکارانه همه بخشهای بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه شریک در قدرت را بین مردم افشا کنند.

امروز واقعیت این است که بخصوص جناح لیبرالها مورد حمایت امپریالیستها و زحمله امپریالیسم آمریکا می باشند. «کنفرانس بررسی جنایات شاه» که به استکراستی صدر برگزار شد، مورد حمایت مستقیم بخشی از امپریالیسم آمریکا و حداقل بخشی از امپریالیسم - های اروپائی بود. این امر نمونه کوچک ولی سارزی از ما هیت ارتجاعی باندبندی صدر است و میگذارد. حال آیا انقلابیون باید لیبرال نشائی بنی صدر را به پای «دموکرات» بودن او بگذارند و با به پای عوامفریبی این بخش از بورژوازی؟

بله کمونیستها با بد ما هیت طبقاتی و سیاستها و عملکردهای همه بخش‌های بورژوازی را افشا کنند و در میان توده‌ها پیش از پیش ایده انقلاب را تبلیغ و ترویج نمایند. با بد ما لانه کوشیدنا در شرا بلی که بقیه در صفحه ۱۳

بقیه از صفحه ۱۱ جنگ ...

حود را در مقابل حزب جمهوری اسلامی تثبیت کند و با حتی زمانی که منافعش ارباب کند و مثلا به وحدت موعی با رقیب برسد و تا دش تخفیف یابد، آنگاه علیه همین سازبنا مجا هدین نیز به تفرقه دست می زند. ما حرای دکترایت اجازه دادنا در ابتدائی صدر بگوید بیع تقویت موع خود بهره گیری نماید، ولی بعد آسئی صدر و حزب جمهوری اسلامی به توافقها سئی رسیدند. ما حرای آیت رایک امر فردی جلوه داده و بدسیال آن حتی لحن جناح بنی صدر نسبت به سازمان مجا هدین تغییر کرد.

البته این مسائل به معنای آن نیست که اختلافات در هیئت حاکمه برای همیشه تخفیف پیدا کرده است. خیر! این اختلافات با زهم واج گیری خواهد کرد، ولی مسئله اصلی اینست که بورژوازی برای مقاصد خود آنگاه که ارباب کند به نیروهای منززل روی می آورد تا حود را تقویت کند و گاه دیگر به همین نیروهای منززل سیرلکد بر سب میکند. این منظر طبقا سئی بورژوازی مگا و توسطه گراست. رهبری سازمان مجا هدین به امتیازات جزئی و حقیر با لائی ها چشم دوخته است و منافع انقلاب را بدست فراموشی سپرده است. رهبری سازمان بجای اتکا به توده‌ها و مجموعه ظرفیت‌های انقلابی آنان به سیاست سازش طبقا سئی روی آورده است. این سیاست نتیجه نا پیگیری طبقاتی رهبری سازمان مجا هدین می باشد. عدم مبارزه قاطعانه علیه کل سیستم، مما شات با بخشی از هیئت حاکمه ضد خلقی، ضد امپریالیست نشان دادن رژیم کمونیستی، دو پهلو گفتن ها و عدم صراحت همه جا نبه در افشای ما هیت ارتجاعی هیئت حاکمه و مجموعه سیاستهای آن ... همه



بقیه از صفحه ۱

گرانی...

هندوانه که یکسال پیش هر کیلو ۲۵ ریال بود اکنون ۵۰ ریال است. و با خیاریا ۱۵ تا ۲۰ ریال و امسال ۳۵ تا ۴۰ ریال فروخته می شود. - با مادام ۲۲ خرداد - قیمت بعضی از میوه ها بعدی گران است که خصلت "توبرلوکی" پیدا کرده و تنها نصب خانواده - های "توبرلوکار" نیز می شوند. مثلاً نه توت کیلوئی ۲۰ تومان با کیلیاس ۳۰ تومان، زردآلو ۲۱ تومان و انگور ۲۵ تومان - کبیا ۳۱ خرداد - البته گرانی تنها منحصر به مواد خوراکی و مواد مصرفی روزمره نیست چرا که مثلاً سیما کبیه ای ۲۰ تومان (اخبار دولت قیمت رسمی سیما هر کیسه ۱۵ تومان را به ۲۰ تومان افزایش داد) دربار زاربین ۵۰ تا ۶۰ تومان بفروش می رسد - با مادام ۲۰ خرداد - و با قیمت اکثر لوازم یکدستی اتومبیل ها حتی بده برابری رسیده است.

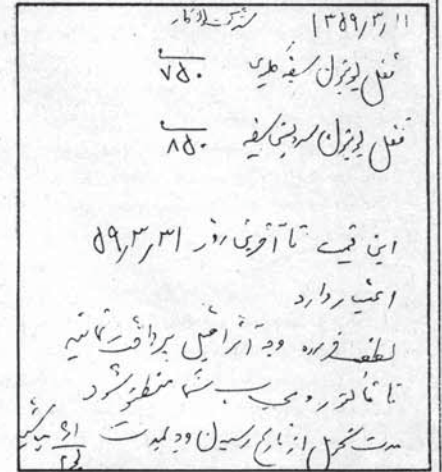
بالارفتن قیمت ها در جامعه دیگر مسئله مقایسه قیمت ها در مدت نسبتاً طولانی چند ساله نیست بلکه مقوله است ما هانه و روزانه و بسیار سریع با مادام در ۲۴ خرداد از قول خریداران می نویسد "افزایش قیمت اجناس دیگر همگی روزانه نیست بلکه ساعت به ساعت قیمت اجناس افزوده می شود". نوشته زیر یک نمونه از هزاران سند است که امروزه بین خریداران و فروشندگان رد و بدل می شود.

و اینکه این جریان شدیدتصادمات اجتماعی را که هم اکنون در جامعه ما شکل گرفته است، روشن سازد، آنگاه ما را به میدان مبارزه ببرد. یعنی صدر در مورد گرانی می گوید "قیمت ها در حال حاضر ۵۰ درصد با لافتنه و اگر به ۷۰ درصد برسد حرف آن نخواهیم شد". آیت الله منتظری نیز در نماز جمعه در قم به گران فروشان گفت "۱۰۰۰ یکنگه را ننگیندا اگر سرنوشتی که برای مواد مخدر تعیین شده نصیب شما هم بشود حاسبتان پاک است. من از شما می خواهم جنس ها را با قیمت مناسب بفروشید، گران نفروشید ملت مستضعف و فقیر را در فشار نگذارید ممکن است که ملت در مقابل کمبود ما بخواهد یک وقتی نتواند مقاومت کند". آیت الله تهرانی، خلغالی... نیز گران خود را از گران فروشان اینجور اعلام داشته اند.

فروشی می کنند و با اینکار هم اجناس را بران محتسرم را که در زمان انقلاب فعالیتشان تعطیل بود و از سرمایہ خود بدیدگراں کمک می کردند از زمین می برند... من از شما می خواهم جنس ها را با قیمت مناسب بفروشید و با لافتنه آقای خلغالی نیز علت گرانی اجناس را مانند آقای منتظری احتکاج رعدای از محتکران و گران فروشان میدان دولتی از نظرها به چاره آن برعکس منتظری معتقد است همان روش مبارزه با قاچاقچیان باشد در مورد محتکرین نیز بسیار بد شده است. و در زمینه گرانی و راه مبارزه با آن می گوید "من بناخواست ملت غلامه زیادی برای مبارزه با محتکرین و گران فروشان دارم ولی رسالت ما مورثت بمن محول نشده و من محتکرین این ما مورثت را بعهده من گذاشتند در مورد محتکرین و گران فروشان همانند قاچاقچیان اقدام خواهم کرد.

● بنیادی برای اینکه عامل اصلی گرانی و اختلال در تولید را که سرمایه داران و نظام سرمایه داری وابسته می باشد، ببرد بهوشی نماید سعی می کند نقش کارگران را در گرانی در چنین نظام وابسته ای در درجه اول اهمیت قرار دهد.

● حجم واردات ما از کشورهای امپریالیستی که در سالهای آخر رژیم وابسته و مزد ورپهلوی به اوج خود رسید، بعد از رقم ۵۷ نیز کمگان ادامه یافت، (بدون در نظر گرفتن تسلیحات نظامی). مطابق آمار گزارش بانک مرکزی سال ۵۶ ارزش واردات ما در سال ۵۲ حدود ۳/۶ میلیارد دلار در سال ۵۶ برابر ۱۴/۱ میلیارد دلار بود. این ارقام هم اکنون مطابق نوشته کبیا ۳۱ خرداد در حدود ۱۲ میلیارد دلار است که ۳/۵ میلیارد دلار آنرا واردات غذائی تشکیل می دهد.



نوشته به وضوح بی شماری قیمت ها دربار زار را بیان می کند. خریدار در تاریخ ۱۱/۳/۵۹ بیک عمده فروشی براق آلات رجوع می نماید و خواهان خرید تعدادی قفل "تونین" است. فروشنده با ارائه قیمت قفل مذکور می گوید که این قیمت تنها "تا آخرین روز ۲۱/۳/۵۹ اعتبار دارد". قابل تذکر است قیمت اعلام شده قفل در سند نسبت به ما همای قبل بیشتر نمی باشد. البته این مشت بسیار کوچک است و از خوراکی نیست و قیمت اجناس در یک دوره کوتاه زمانی.

هم اکنون افزایش قیمت ها در سطحی است که حتی توجه سردمداران و مسئولین رژیم جمهوری اسلامی را نیز که بدوغ اعلام می کنند مردم نه برای شکم بلکه برای اسلام انقلاب نموده اند را بخود جلب کرده است. مسئولین رژیم نگرانی واضطراب خود را از این که افزایش قیمت ها اثرات جدی بر بیگری نظام بوسید سرمایه - داری وابسته می گذارد به نماندند و نتوانستند بجای آنرا نیز بر طبقه کارگر و روستاها و وسیع زحمتکشان درک کرده

علت گرانی از دیدگاه بنی صدر و دیگر مسئولین رژیم و راه حل آن

علت این همه گرانی چیست؟ چرا قیمت ها هر روز بیشتر با لای رود؟ بنی صدر پاسخ این سوال را به زحمتکشان چنین می دهد که گویا همه از عوارض اجتناب ناپذیر انقلاب است و علت اینکه بعد از زقیام نیا - کتون به سودی در واقع اقتصاد را حامل نشده "خلال - کری" و "زیاده خواهی" کارگران مبارز می باشد! وی می گوید "هنوز اقتصاد ما حرکت نکرده و وقتیکه اقتصاد حرکت افنا و تولید بیشتر خواهد شد و جلوه گرانی بخودی خود گرفته می شود. امروز که کشور ما بملت خرابیه ای گذشته و وابستگی های اقتصادی و صنعتی احتیاج به سازندگی و کار بیشتر دارد عنوان می شود که ساعت کار باید کم شود، وقتیکه در مراغه اقتصادی غول آمریکا - شی هستیم باید تمام قدرت هم خود را وقف صرف تولید بیشتر و خود کفائی کنیم بنام مبارزات زقیبیل حق ممکن و خواربار کارخانجات و کارگاههای ما را به تعطیل می کشانند." بنی صدر برای اینکه تا عمل اصلی گرانی و اختلال در تولید را که سرمایه داران و نظام سرمایه داری وابسته می باشد، ببرد بهوشی نماید سعی می کند نقش کارگران را در گرانی در چنین نظام وابسته ای در درجه اول اهمیت قرار دهد. و نقش "ممنوعیت" و "اخلاق" را در بارش آورده و قیمت ها بسیار مهم دانسته و در همین رابطه به مردم می گوید "در حال حاضر با لافتن قیمت ها در معادل اقتصادی دارما مانند بیست - مرزها و معارضه اقتصادی و سود در معادلش کمبود ممنوعیت است". سایر مسئولین رژیم نظرات گوناگونی دارند. مثلاً آقای منتظری علت گرانی را احتکاج بختی از "تجار محتسرم" با زار تهران میدانند و در نماز جماعت در قم از آنها می خواهد برای حفظ آب و رو حیثت! نقلی خودتان را احتکاج را شکسته و قیمت ها را پایین بیاورید. ایشان می گویند "گروه های دربار زار دست به احتکاج می زنند و با گران -

محتکرین با بدیداند که آدرس و مشخصات آن را در اختیار دارم و به موقع به سراغشان خواهم رفت" - کبیا ۳۱ خرداد -

اما نود و هشتاد و پنج و مخصوص کارگران آگاه و خوبی میدانند که اینها جز حرف بوجی بیش نیست و تنها برای فریب اذهان توده ها گفته می شوند آنها هرگز به علت - های واقعی گرانی، فحطی و... پی نبرده و برای از بین بردن و براندازی آن مبارزه نکنند.

بقیه در صفحه ۱۵

جنگ...

اقتنا رخلقی از هیئت حاکمه می برند، نه بسوی نیرو - های ارتجاعی و نفا لهائی مانند بختیا رمزدور و... بلکه بسوی نیروهای مدیق کمونیت و انقلابیون پیگیری مستگیری نمایند. با بدبفقه کارگرو توده ها را بسوی تدارک انقلاب راهبری نمود.

در این عرصه از نبرد طبقاتی کمونیستها با بسد بطور متمرکز از طریق فعالیت سیاسی - تشکیلاتی در میان طبقه کارگر و بر زحمتکشان و ملیتهای تحت ستم، بغود خویش را گسترده تر سازند. طبقه کارگرو توده ها را به پیگیری است که می تواند انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی مهین ما را راه سرانجام پیروز مند خود برساند. اگر طبقه کارگر متنگل و آگاه نشود، اگر - طبقه کارگرو توده ها در رهبری جنبش خلقی میهن را به دست گیرد، انقلاب پیروز نخواهند. با توجه به چنین امر اساسی و مهمی است که نقش کمونیستها بر حخته و برجسته ترمی شود.

روشن است که انجام وظایف سنگین کنونی توسط یک نیروی کمونیست امکان پذیر نمی باشد، بخصوص این مطلب زمانی واضح ترمی شود که به دورنمای مبارزه طبقاتی اوج گیرنده طبقه و توده ها توجه نمائیم. بدین منظور کمونیستها با بدبش از هر زمان دیگر برای وحدتی اصولی و یولادین بکوشند و حرکت خود را در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر پیگیری و استوار به پیش برند.



بقیه از صفحه ۳

گرامی...

درگیری چنان شدت گرفت که عده‌ای از افراد زاندار- مری با دگان شیرکا به عنوان نیروی کمکی به کارخانه اعزام شدند.

ما موران پلیس وزاندار مری پس از سیرون کردن کارگران از کارخانه در آنرا بستند. اما زود خود در سیرون کارخانه میان کارگران و نیروهای انتظامی ادا می‌یافت. پلیس به روی کارگران و نیز مردمی که حمایت از کارگران در اطراف کارخانه اجتماع کرده بودند آتش‌گشودگی طی آن چندین نفر زخمی و چهار نفر کشته می‌گشت. از آنها محمود متانی است. بشهادت رسیدند سراجا مینروهای انتظامی با پرتاب گاز اشک‌آور و تلنک گلوله مردم را متفرق و عده‌ای را دستگیر کردند. بدینال این واقعه دانشجویان دانشرای عالی و عده‌ای از دانش‌آموزان این شهر به نشانه همبستگی با اعتصاب کارگران نساجی و نیز به عنوان اعتراض به آتش‌گشودن پلیس بروی مردم دست‌نظام هرات زدند و بطرف ساختمان شهرتانی راهپیمایی کردند. در خلال راهپیمایی با دیگر پلیس به صفوف نظامی هرکنندگان حمله برد و عده‌ای را دستگیر نمود.

چند روز بعد کارخانه مجدداً شروع بکار کرد. "عالمزاده" بسیاری از کارگران را که در اعتصاب شرکت کرده بودند از کارخانه اخراج نمود. وی خنسی سالن غذاخوری و رختکن کارگران را برجید تا امکان هرگونه تماس کارگران با یکدیگر از بین برود.

تجربه خویشی اعتصاب کارگران مبارز نساجی به آن آموخت که دشمن طبقه کارگر تنها کارفرمای کارخانه نیست بلکه آن نظامی که از سرمایه‌داری دفاع می‌کند نیز دشمن اوست. آنها همچنین آموختند که نظام سرمایه‌داری برای حفظ ونا مین منافع سرمایه‌داری هر چه بیشتر خود را مسلح و مجهز می‌کنند تا بتواند با تشکلات خود مبارزات کارگران و زحمتکشان را خنثیانه سرکوب نماید.

اینکجه با طبقه کارگر خود را در برابر طبقه سرمایه‌داری می‌بیند و با توجه به اینکه این طبقه برای سرکوب کارگران دارای تشکلات مجهز می‌باشد، به لزوم داشتن یک تشکلات سیاسی پی ببرد، نگاهت بسیار مهمی است که با بدست آوردن انقلابیون کمونیست به آنها آموزش داده شود.

با ندکجه طبقه کارگر ایران در به ثمر رساندن کامل انقلاب دمکراتیک و خدا می‌بیرا لیستی بتوانند در میدان مبارزه بگذارند و مهر خود را بر پیتانی آن بکوبند و رهبری آنرا بدست بگیرند!

بیروزی با دمبارزات حق طلبانه کارگران!  
درود بر همه شهدای طبقه کارگر!

غیرقابل توصیف است. رفیق از همان لحظه اول در زندان به دفاع از اندیشه‌های خود پرداخت. از آرمان زحمتکشان و سازمانی که هوادارش بود (پیکار) دفاع نمود و هرگز در تمام مدت دوماه با تمام فشارهای جسمانی و روحی که به رفیق وارد می‌آوردند سرخس نمی‌نمود و تا آخرین لحظه زندگیش به دفاع از آرمانش پرداخت و در هنگام اعدام همواره دور رفیق دیگرش در حالیکه خنده بلب‌لب داشت اجازت داده تا چشمش پیش را ببیند و با ایمانی وصف‌نا پذیر به استقبال شهادت در راه مبارزات زحمتکشان رفت.

یادش گرامی باد



بنیاد رفقا مهدی علوی شوشتری، دکتر اسما عیسی نرسمیا و منوچهر جمعی انقلابیون کمونیستی که در سحرگاه روز جمعه ۵۹/۴/۶ بحکم به دادگاه رژیم جمهوری اسلامی بخاطر فعالیت‌ها و به آنها مواهی شرکت در کشتار دانه‌نگاه‌هاوز (که قربانیان و شهدای آن رفقا و هم‌زمان خود آنها بودند)، بخوجه اعدام سپرده شدند!

در روشنای سرح سحرگاهان  
رودی که با صغیر  
- آتش...  
خونین و  
خمناک و  
حروان ن جاری کت  
ظهر بلنددستی این فلات را  
انکار کرده است  
وفتی نو  
با آخرین ستاره می رفتی  
از خاوران خویش  
خورشیدی تکست  
(علی میرفتروین)

بقیه از صفحه ۴ زندگینامه...

تا هرات آغاز کرد. شما رفقای همکلاسی او فداکاری و شور و مبارزاتی وی را در دبیرستان بخاطر یاد آرند. رفیق از آغاز مبارزه با منی جدا از توده چریکی مرز - بندی داشت و گروهی که رفیق با آن آغاز به فعالیت تشکیل داد نمود معتقد به منی چریکی نبود مهدی در درون گروه دبیر دبیر کارهای تشکیلی نفتی بسیار مؤثر داشت و با توجه به علاقه و استعدادی که در رابطه با مباحث - گیری با توده‌ها داشت مرتب به محلات فقیرنشین روستاهای اطراف شوشتر و کارگاه‌هایی که گهگاه در آنها کار می‌کرد می‌رفت و به نما گیری با زحمتکشان می‌پرداخت و ما را که همرا با مبارزات آنان می‌آمیخت او زمانیکه هنوز در دبیرستان مشغول تحصیل بود یکبار بحرم بخش اعلامیه دستگیر و بعقت کمی سن بمدت ۴۵ روز به دارالانداب فرستاده شد. پس از آزادی با زهم به کار مبارزاتی خود ادامه داد. گروهی که رفیق عضو آن بود ضمن کار توده‌ای و تماس با زحمتکشان، با وجود امکانات محدود و سهم مهمی در تکثیر آثار مارکسیستی داشت. رفیق در ادامه زندگی مبارزاتی اش با دیگر در سال ۵۳ - ۵۲ دستگیر و به یکسان زندان محکوم شد او این مدت را با روحیه ای مقاوم و آشنایی با بدبسر گذراند و با کوله‌باری از تجربه زندان آزاد شد و مبارزه در سیرون را علیه نظام سرمایه‌داری و استبداد شاهان ادامه داد. او با ردیگر در سال ۵۴ - ۵۳ دستگیر شد و زیر شکنجه‌های رژیم آریا مهری قرار گرفت. رژیم که می‌دید با چه مبارزان بزرگی روبروست اول قصد داشت او را اعدام کند ولی پس از تکلیف فراوان در دادگاه اول و دوم به ۷ سال و در دادگاه تجدیدنظر به ۳/۵ سال زندان محکوم شد. او در سال ۵۶ از زندان آزاد شد و فعالیت‌ها در مبارزات عظیم توده‌ای شرکت نمود.

خاطر از زندان او را با بنیاد رفقای هم سلول او شنید. رفیق در زندان با حفظ همان روحیه مبارزاتی که داشت سعی در ارتقاء تئوریک رفقای هم‌بند خود می‌کرد. او در کنار اینکار رتلاش بسیاری در تماس گیری با زندانیان عادی (بخصوص عربها در زندان انیسواز) می‌نمود و در این راه بسیار هم موفق بود، چه توانست

عده‌ای از زندانیان عادی راه مبارزتی آگاه تبدیل نماید. رفیق پس از آزادی از زندان در کنکور شرکت نمود و در رشته فیزیک دانشگاه هوا قبول شد. استعداد او در درس هم‌تا با توجه به دوره نرم با معدل بالا قبول شد. بعقت علاقه‌ای که به ریاضات داشت پس از کمال تغییر رشته داد و به رشته ریاضی رفت. کافسی استازکا در علمي دانشگاه ریاضی در مورد مهدی بر سرده تودتا خود آنها را از استعداد دوسوع او در ریاضیات سخن بگوید.

پس از اینها مهدی به همکاری با دانشجویان مبارز... پرداخت و در این راه فعالیت‌ها کوتا نبود. چهره همواره خندان او را همه رفقای با یاد آرند. مدتی پس از جدان "دانشجویان هوادار پیکار..." از "دانشجویان مبارز..." رفیق به تشکلات (دانشجویان هوادار) پیوست و فعالیت غیر قابل توصیف در پیشبرد کارهای سیاسی - تشکیلی از خود نشان داد. او در جریان کمک‌رسانی به سیزده دگان جنوب یکی از فعالترین رفقا بود و با شور و شوق و وفای بدیدر در کمک‌رسانی به توده‌های زحمتکش شرکت نمود. کافیت از روستایان اطراف هواز (عرب عباس، جم‌فرج و...) در باره او ویرسیم‌ها خود مردم که او را همان مهدی صدا می‌زدند در باره رفیق نظردهند.

مهدی پس از جدان سلسل در یکی از محلات هواز (زیبون کارگری) به کار توده‌ای پرداخت و در مدت کوتاهی که آنجا بود توانست با توده‌ها تماس بگیرد و با برخورد توده‌ای خود در دل آنها جا باز کند. او در محل دست به ایجاد یک کتابخانه برای بچه‌های محل زد که بیش از ۲۵۰ عنوان داشت و این با توجه به کوچکی محل بسیار قابل توجه و بر خورنده توده‌ای وی می‌باشد. در جریان درگیریهای دانشگاه سیر رفیق یکی از فعالترین اعضای تشکلات بود و با عا به تبلیغ در محلات حول این مسئله پرداخت و در روز درگیری شجاعانه در مقابل حمله ارتجاع به دانشگاه با بیداری نمود و پس از زخمی شدن بدست مزدوران سرمایه‌داری به دیگر هم‌زمانش دستگیر شد.

روحیه رفیق در زندان و برخورد وی به ارتجاع



بقیه از صفحه ۵

### گردستان ...

اهل آرمیده، محمد اهل شیخان، در جریان این سورش و حسیانه، بعد از دیدن ارتشها و منازل مردم ویران گردید. (سنگل از خبرنا مه کومه له شماره ۵۶)

### مربوان (۵۹/۳/۲۷) حمله به پادگان

ساعت ۸/۵ بعد از ظهر امروز پشمکرگان کومه له به سلاح سنگین به پادگان مربوان حمله کردند. در این حمله محل استقرار حصارها و بناهای پادگان هدف حصارها و پشمکرگان به فرمان فرار گرفت. از میزان خسارت این حمله اطلاعی در دست نیست. پشمربوان هنوز در دست پشمکرگان به فرمان مناسب است.

(سنگل از خبرنا مه کومه له - ۵۶)

### مهاباد (۵۹/۴/۴):

### بمب گذارها در مهاباد کار جاشها،

### ارتش و سپاه پاسداران است

روز چهارشنبه در یکی از خانه های مهاباد بمب گذاری شد. بمب گذاری در محل خانه بود. ارتشهای مهاباد بوده و با انفجار بمب شدت زخمی شده بود. پشمکرگان کومه له که در محل حاضر شده بودند، اقدام به انتقال فرد مذکور به بیمارستان نمودند. اما جاش مخروج قتل از رسیدن به بیمارستان درگذشت.

در این راه، او قبل از مرگ، ضمن معرفی ۸ تن از ارتشهای مهاباد گفته است که تمام بمب گذارهای ده روز اخیر در مهاباد، کار آنها بوده و ارتش و پاسداران نیز بمب و تلخه و دیگر وسایل انفجار را در اختیار آنها می گذارند. بناگفته تمام ۸ جاش معرفی شده، بلافاصله توسط پشمکرگان کومه له دستگیر و زندانی شدند.

بقیه از صفحه ۳

### تحصن ...

مبارزه و شهادت کردنی از خواستهای سرخ کارگران پشمی است. بعضی از شعارهای راهپیمایان در طول مسیر عبارتند از:

نه سازش، نه تسلیم، سردار آمریکا، پاسدار، پاسدار خاکی بر ما نه دار، سرمایه و استبدادت زحمت گران، منافع زحمتکاران ملی ما بگردد، توطنه اخراج محکوم است، محکوم است، سورا، سورا، سکر زحمتکاران. ماده ۳۳ الفنا بگردد، حمله به کارگر حمله به انقلاب است. کارگران اتحاد، زحمتکاران اتحاد علیه امپریالیسم ...

با اینکه فرار سوادبان راهپیمایان محذوثر باشد، اما راست روی بعضی از پادگان کارگران را که از حرکت ناراضی بودند بطرف محذوثر کرد. (کارگران مطرح منکرند که با سربازان و سواران در فرمانداری تحصن کنند) (سپهر حال ساعت ۱۱/۵ صبح راهپیمایان وارد محذوثر شدند، پس از مدتی دو نفر از خود پشمیهای ریاضی و مرتضوی همراه با مهندس



بقیه از صفحه ۱۳

### گرانی ...

### علل اساسی افزایش قیمت اجناس

گرانی یا بالارفتن قیمت اجناس محصول طبیعی واکزیر پشم بر ما به داری وابسته ما به کشورهای امپریالیستی است. این امر به جدید است و نه تصادفی. نگاهی به ناخصیهای عمده فروسنی کالاها (سرخ سرد قیمت اجناس در عمده فروسنی ها نسبت به سال پیش) ذراتهای گذشته نشان میدهد که چگونه هر سال به سرخ سرد قیمت کالاها اضافه شده است. مثلاً کوزر سال ۱۳۴۸ افزایشیهای عمده فروسنی کالاها رقم ۳/۹ درصد بود در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۵ به ترتیب به ارقام ۵/۷ و ۱۶/۱ درصد صعود نموده است. (ارکان بیان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران -) این ارقام مطابق آمار بانک مرکزی در سال گذشته برابر ۳۳/۶ درصد و امسال بناگفته یعنی مدر حدود ۵۰ درصد خواهد بود. همانطور که ملاحظه می شود رشد عمودی قیمتها همچنان از قبل از ارقام ۵۷ تا به حال ادامه داشته و مسئله در رابطه با علتهاست که همگی بر سبب تنظیم سرمایه داری وابسته حرکت میسازد که ذیلاً به آنها میپردازیم:

### ۱- واردات، وابستگی تولیدات داخلی به کشورهای امپریالیستی

حجم واردات ما از کشورهای امپریالیستی که در سالهای آخر رژیم وابسته و مزدوری پهلوی به وجود

رزمجو (از مجموع مردوری است که در سرکونی و احراج کارگران مبارز صانع فولاد دست داشت و میگفت آمده است که "اینها را هم با کساری کند!" او وارد محذوثر شد تا برای کارگران سخنرانی کند. کارگران تا شعارهای بی دربی خود مانع سخنرانی مرتضوی و رزمجو شدند و آنها در میان فریادهای "مرگ بر ارجحان" کارگران محذوثر ترک کردند. سفارهای کارگران به ریاضی هم اجازه سخنرانی و عوام فروسنی نداد. یکی از کارگران از وسط جمعیت فریاد زد: "مگر ما آمریکایی هستیم که اینطور ما رفتن را میگویند؟ شما به سوادبان به کارگران و زحمتکاران کرد سرباز برای حقوق عادلانه خود می جنگند می گویند صد انقلاب، اگر ما صد انقلاب شما کی هستید؟" کارگران خود کما عد در محذوثر ماندند و آنگاه به سوسه تمام سوادبان محل را ترک کردند و فرار شدند که فردا صبح (بعضی روزها رسته) در خلوصی فرما نداری اجتماع کنند ...

سپهر با مهاباد از حق طلبانه کارگران مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی حامی آن

رشد بعد از ارقام ۵۷ سربازکاران ادامه یافت. (سپهر در نظر گرفتن سلطنت نظامی مطابق آمار کار این بانک مرکزی سال ۵۶ از رسیدن واردات مادر سال ۵۲ حدود ۳/۶ میلیارد دلار و در سال ۵۶ برابر ۱۴/۱ میلیارد دلار بود. این ارقام هم اکنون مطابق سوسه کسبان ۳۱ خرداد در حدود ۱۲ میلیارد دلار است که ۳ میلیارد دلار آن واردات غذایی است که قابل توجه است که در سال ۵۶ از رسیدن واردات کالاهای مصرفی که البته در سربازکاران واردات غذایی سربازکاران ۳/۵ میلیارد و سربازکار ۲/۸ میلیارد دلار بود. سوسه به این ارقام دیده می شود که واردات ما سخن و سوسه از اجناس مصرفی سوسه های مردم و مواد اولیه ای و البته کارخانه های کشور را تشکیل میدهد مثلاً هور ۲۲ درصد از کل مواد اولیه کارخانه های ما از خارج وارد شده و با طبق آمار بانک مرکزی سهم واردات در قیمت عمده فروسی رفته در حدود ۳۰ درصد می باشد. سربازکاران است که هرگونه تغییر در قیمت کالاها را وارد می بلاقاصله اثر مستقیم بر روی قیمت کالاها دارد (البته در اینجا بحث به در نحوه انتقال بحرانهای مالی و اقتصادی امپریالیستی است بلکه سربازکاران جنب بحرانهای در افزایش قیمت کالاها در کشور ما می باشد) اما می دانیم هم اکنون کشورها امپریالیستی با بحران شدید اقتصادی و مالی که از سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ شروع شده کماکان در سوسه با شدت و عوارض جنب بحران سربازکار سوسه در سربازکار بولی در این کشورها قیمت اجناس را سربازکار این کشورها بطور بی سوسه ای بالا برده است. اگر در سال ۷۳ قیمت خرده فروسی محصولات صنعتی در آمریکا ۱۳ درصد اضافه شده بود در سال ۷۴ به ۲۶ درصد افزایش یافت و هم اکنون این رقم به سطح خیلی بالاتری سربازکار یافته است. لازم است اضافه شود که بحران اقتصادی ایران از سوی آمریکا و بعضی کشورهای اروپائی سربازکار حدودی در رابطه با قیمت های سربازکار می باشد هم اکنون سربازکاران بجای معامله با کشورهای اصلی محور سوسه و سوسه های که در کوبت و دوسه ... هستند. مراجع سوسه و سربازکار منظمی اضافه کارا را آنها بحران سوسه سربازکار را هم مصرف کننده سربازکار سربازکار.

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱۶

### مدارک ...

دادستانی، از مسئولین دادگاههای انقلاب مصرا به میخواستیم:

- ۱- اجازه دهند محمد تقی شپرا به تمام آنها مات و شایعاً تا در پیشگاه خلق پاسخ بدهد و بدین وسیله از حقوق خفه خود دفاع نماید. این از حقوق مسلم هر مومنان و شهروندان ایرانی است بنا بر این عدم رعایت آن در مورد کسیکه تمام زندگی اش را در مبارزه ای انقلابی برای رهائی و سهریزی مومنان ستمکش ما گذرانده است، اعمال ستمجوی و سلب معاف حقوق وی مناسب است.
- ۲- پیرونده تقی شپرا که همگی بدون کم و کاست در آرشوهای ساواک موجود و اکنون در اختیار مقامات دادستانی و سپاه پاسداران میسازند، دستگیر کنند.
- این خواست به تنهایی حق این فرزندان سوسه خلقی است بلکه از حقوق ملت ایران است که بتوانند از واقعیت تحمیت و جریان زندگی انقلابی فردی که مورد بدترین کینه توزیهای ارتجاع قرار داده گردیدند، ما از همه نیروهای مبارز صد امپریالیست از تمام سربازکارهای دموکراتیک میخواستیم با حمایت از خواستهای فوق از این رژیم سوسه انقلابی دفاع نموده و پس از این اجازه دهند ارتجاع در آلودن جبهه انقلابیون آزادانه وقت و سربازکار نشان داده و ذهن سوسه های مردم را نسبت به آنچه که در گذشته در جنبش انقلابی روی داده است مسموم و منحرف نماسازند.

کمیته پشتیبانی از زندانیان انقلابی و مبارزان (۵۹/۴/۴)



### فشار روز افزون ارتجاع بر روی سازمان درخوزستان

از زمان حمله سراسری اخیر ارتجاع به کردستان و توطئه با صلاح انقلاب فرهنگی علیه دانشجویان و نیروهای سیاسی انقلابی، مردم آگاه ما درساً سرا بران تا هدفنا روز افزون بر نیروهای کمونیست و دمکرات می باشند. این فشار را بخصوص نیروهای سازش ناپذیر - ی که در راه منافع زحمتکشان مبارزه میکنند بیشتر حس میکنند. فشارهایی که اکنون بخصوص درخوزستان بر روی سازمان ما اعمال میشود و توطئه‌هایی که علیه هواداران ما بکار برده میشود نمونه‌ای از آنهاست. ارتجاع که درخوزستان تا حد نفوذ روز افزون سازمان ما در بین توده‌ها است آنگاه اعلام کرده است که ما باید نخست با سازمان بیکار "مغفبه‌حساب" ما باشیم. در همین رابطه فرزندگان نثر به بیکار و هواداران سازمان دستگیر و مورد آزار روحی و جسمی قرار میگیرند. (۱) اعدا مرفیق شهید مهدی علوی نوشتری در آواز رویش از این اعدا مرفیق شهید احمد مو، دن شان میدهد که ارتجاع چگونه از کار آگاهانه‌های سیاسی و کارشناسی ما در بین توده‌ها هراسان است. هم‌اکنون جان عده‌ای از هواداران ما که به علل جزئی دستگیر شده‌اند در خطر قرار دارد. ما نظرتان می‌نیرویهای انقلابی و مترقی را نسبت به این مسئله جلب نموده‌ و خواهان افشای گسترده فشار آراکانه‌های مرتجع محلی بر روی نیروهای انقلابی بخصوص سازمان می‌باشیم. ■

(۱) - اخیراً سپاه پاسداران مسجد سلیمان با انتشار اعلامیه‌ای سازمان ما را مورد بدترین دشنامهای کینه‌توزانه خود قرار داده و آنگاه تهدید کرده است که چنین و چنان خواهد کرد.

### مدارك و اسناد مربوط به تقی شهرام، موجود در آرشیو ساواک را منتشر کنید

یکسال از زندان مجرد تقی شهرام میگذرد. این مبارز زبیبی گمردر طی این مدت نه تنها بدترین فشارها - ی روحی و جسمی را متحمل شده است، بلکه مورد بدترین تبلیغات سو، وزشت‌ترین اتهامات و ناسزاها قرار گرفته است. بلندگوهای علیی و مخفی حزب فاشیت‌گرای جمهوری اسلامی همه و هرگونه افتراسی نه تنها به این فرزند خلق انا عده داده‌اند، در حالیکه دفاع تقی شهرام امکان نداشته است کلمه‌ای از خود دفاع کند، بلکه ما هم و ما هم ممنوعاً! (ملاقات بسوده است و امروز نیز که بر طبق اظهارات مقامات مربوط به دادستانی و دادگاه‌های انقلاب در آستانه سرهم بندی نمایشات مفصل و مغرانه و سزا سرتحریف دادگاه قرار دارد همچنان از حق دفاع از خود در مقابل تمام ناپایمانت‌ها مات کتیف و مغرانه محروم است. ما از مقامات بقیه در صفحه ۱۵

### از حزب جمهوری اسلامی بپرسید:

## "کمیته مبارزه با سازمانهای سیاسی" یعنی چه؟

- ۱ - کمیته مبارزه با سازمانها و احزاب سیاسی، شاخه تبریز - رضاشه
  - ۲ - سپاه پاسداران تبریز - رضاشه
  - ۳ - حزب جمهوری اسلامی تبریز - رضاشه
- گزارش عیناً در ساعت ۲ با مداخله ۵۹/۲/۱۱ کمیته ابلاغ گردید

حزب جمهوری اسلامی، که رکورد "افتخارات بزرگ" را طی همین مدت کوتاه ترکنازی خود، شکسته و علاوه بر توطئه‌های بزرگ، افتخار بزرگ (نوار آبت) را نیز به آرزو داشته است، افتخارات دیگری هم دارد که یکی از آنها تاسیس کمیته‌ای بنام "کمیته مبارزه با احزاب سیاسی" است. آنها قبل از قیام، مردم را می‌فریبند که در حکومت اسلامی احزاب و سازمانها و عقاید آزادند. در همین "قانون اساسی" تان هم از آزادی احزاب و اجتماعات و عقاید سخن گفتند. اما عملاً دشمنی خود را با هرگونه آزادی که بنفع توده‌ها و زحمتکشان باشد، نشان دادند. آنها فقط خودشان را آزادمی دانند که هر چه می‌خواهند بکنند:

- دانستند که هرچند عنوان "انقلاب فرهنگی" مورد هجوم قرار داده، آنرا تعطیل نمایند.
- مؤسسات مطبوعاتی متعلق به خلق را اشغال و تصرف کنند و هر روز ورق باره‌های سرترازمومومات، موضعگیری‌های ارتجاعی، افترا و فحش به نیروهای مترقی و انقلابی را بس مردم بپخش کنند.
- خلق کرد را زیر عنوان مبارزه با کفر زیرمباران، کشتار نمایند.
- کارگران مبارز را از کارخانه‌ها اخراج کنند و سه کلوله بسندند.
- معلمان و استادان و کارمندان انقلابی و طرفدار زحمتکشان را از کار برکنار نمایند.
- صدها انقلابی و کمونیست را به زندان باندازند و حتی شکنجه کنند.
- با چاقی به اجتماعات هجوم بزنند و را دونولویزیون را بوی نوحه جملات و حسانه خود بسند.

امضا: حسین  
اجراء کننده دستور مقام محترم کمیته، سرهنگ بیاده: ۰۴ غ

امضا: ۵۹/۲/۱۱  
براستی اگر این آقایان از زندانیان و نیروهای انقلابی و کمونیست و نرلز موقعیت خود نمی‌ترسند، اگر به "ایدئولوژی و سیاستهای" خود اعتماد دارند، چرا با "سازمانها و احزاب سیاسی" انقلابی آنها هم‌بسته‌های پلیسی و مسلحانه مبارزه می‌کنند؟  
حواب از حزب جمهوری اسلامی - که دکترین آن فقط یکی از توطئه‌گران است - باید بدهد. ■

### توقیف روزنامه ندای آزادی را محکوم میکنیم

بسیار کما است که روزنامه ندای آزادی از طرف دادستان انقلاب اسلامی توقیف شده و یکی از کارکنان آن سیزده زندان افتاده است. یورش به آزادیهای سیاسی، اجتماعی سیاست عمومی رژیم جمهوری اسلامی بوده و هست. سردمداران این رژیم بیواطنه و جنسی که از آکا‌های مردم زحمتکش دارند، تمام امکانات خود را بکار گرفته‌اند، تا خواننده‌های آکا‌های را شکنجند. آنها گذشته از فعالیت روشنگرانه نیروهای انقلابی، حتی را انعکاس وقایع و رویدادهای جامعه ما نیز می‌دارند، لذا تاویل به سیاست‌چای و سرکوب وضع فوایس ارتجاعی، مطبوعات انقلابی و مترقی و آزاد را مورد سزا محقرانه داده‌ و از سزا ر آنها جلوگیری میکنند. روزنامه "ندای آزادی" که یک کاسب "محور فائوستی" از "وزارت ارشاد ملی" مجدداً انتشار یافته پس از چهارمین شماره خود به سزا نه‌جا بیک محاسبه "از طرف کمیته‌های توقیف‌ند. اکنون علیرغم اظهارات وزارت ارشاد ملی مبنی بر ایلام منع بودن انتشار این روزنامه، "ندای آزادی" همچنان توقیف است این امر نشان میدهد که رژیم‌های ارتجاعی نظیر رژیم حاکم بر ایران، هرچاکه منافع خود را در خطر می‌بینند، حتی فوایس را که خود برای حفظ نظام استعماری حاکم وضع کرده‌اند نیز با می‌گذارند. انسان غافل از آنست که با چنین روش‌های سرکوبگرانه نمی‌توان از بارور شدن شکوفه‌های آکا‌های خلقهای میهن ما جلوگیری نمود و علیرغم چاقی و سرکوب رژیم و واقعات جامعه ما، از چشم مردم هوشیار پوشیده نخواهد ماند. ما توقیف روزنامه "ندای آزادی" و دستگیری یکی از کارکنان آنرا شدیداً محکوم میکنیم و انتظار مجدداً سزا خواهانیم. ■

سندی که بدست ما رسیده برده از یکی دیگر از اقدامات ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی بر میآید.

مورخ ۵۹/۲/۱۱

کمیته مبارزه با سازمانهای سیاسی  
به کمیته‌های وابسته کمیته مبارزه با سازمانهای سیاسی تبریز - رضاشه شماره رمز: ۱۷۴ شماره گزارش: ۲/۱۰۲

مقام محترم کمیته مبارزه با سازمانها و احزاب محترماً بفرم می‌رساند بدستور مقام محترم کمیته مرکز، جلوگیری از ورود نثر به و اعلامیه بیکار در راه (آزادی طبقه) کارگردان تاریخ ۵۹/۲/۱۲ به وسیله عده‌ای دانشجوی بیکار در راه (آزادی طبقه) کارگر میبدهد مشمول مبارزه با سازمانهای سیاسی، تا چه تبریز - رضاشه و کمیته حزب جمهوری اسلامی می‌باشد. چنانچه در شرایطی به افراد مطلع بیشتر احتیاج شد، حزب جمهوری، مشمول ادغام کردن سپاه پاسداران منطقه تبریز، در سایر گروه‌های سیاسی می‌باشد.

گزارش به اطلاع مقامات مسئول ابلاغ میگردد.

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست